

بهره‌برداری



مؤسسه پژوهشی فرهنگی
مقر: تهران، خیابان آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای، پلاک ۱۳

دعا

از منظر حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله العالی)
رهبر معظم انقلاب اسلامی

به کوشش: علیرضا برازش

ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی

(وابسته به مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی)

نسخه الکترونیکی

هرگونه بهره‌برداری بصورت چاپ و تکثیر ممنوع می‌باشد.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۵۱-۳۰-۷

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان دانشگاه جنوبی، کوچه‌ی عطارد، شماره‌ی ۷

تلفن: ۶۶۹۷۷۲۶۸ - ۶۶۴۱۰۶۴۹ - تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۹۵۵۹۳۷۳۲ - ۶۶۴۸۳۹۷۵

سامانه پیامکی: ۱۲۰ ۲۰ ۱۰۰۰ - صندوق پستی: ۱۳۱۸۵-۶۱۳

پست الکترونیکی: <http://Book-Khamenei.ir> - Info@book-khamenei.ir

فهرست

مقدمه.....	۱۵
فصل اول: معانی دعا، اجابت و ذکر.....	۲۱
دعا چیست؟.....	۲۳
رابطه‌ی قلبی انسان با خدا.....	۲۳
ارتباط با خدا.....	۲۳
ارتباط و اتکال انسان با خدا.....	۲۳
رابطه‌ی انسان با منبع فیاض.....	۲۴
تقرب و انس.....	۲۴
خدا را نزدیک خود احساس کردن.....	۲۴
خدا را حاضر و ناظر دانستن، خدا را در مقابل خود احساس کردن.....	۲۴
تقرب إلى الله.....	۲۵
انس با خدا.....	۲۵
حرف زدن با پروردگار.....	۲۵
با خدای متعال سخن گفتن، حرف دل را با او در میان گذاشتن.....	۲۵
خدا را خواندن.....	۲۶
بیان خواسته‌های فطری انسان.....	۲۶
خواستن.....	۲۶
عبودیت، خشوع و خاکساری و تضرع.....	۲۷
روح عبادت.....	۲۷
بهترین عبادت.....	۲۷
خشوع و خاکساری نزد پروردگار.....	۲۸

- ۲۸.....تضرعُ
- ۲۹.....وسيله‌ای برای رسیدن به حوائج و مقصودها.....
- ۳۰.....وسيله‌ای در کنار وسائل دیگر، یکی از دهها وسيله و سبب و علت.....
- ۳۰.....وسيله‌ای بین خدا و بندگان.....
- ۳۰.....دعا وسيله‌ای در طول ابزارهای مادی و نه رقیب آنها.....
- ۳۱.....وسيله‌ای برای فهمیدن معارف الهی.....
- ۳۱.....أقسام دعا و انواع سخن گفتن با خدا.....
- ۳۱.....درخواست، تمجید و تحمید، و یا اظهار محبت و ارادت.....
- ۳۱.....دعا، ضرورتاً همیشه با حاجت‌خواستن همراه نیست.....
- ۳۱.....نمونه‌ای از مصادیق دعا و ذکر.....
- ۳۱.....نماز.....
- ۳۲.....نماز جمعه.....
- ۳۲.....اجابت چیست؟.....
- ۳۲.....پاسخ و توجه و التفات خداوند.....
- ۳۳.....نورانی که در دل پدید می‌آید.....
- ۳۳.....جاری شدن طلب، از سرتاپای دعا کننده، همان پاسخ الهی است.....
- ۳۳.....جور شدن اسباب و وسائط.....
- ۳۳.....برآورده شدن خواسته در چهارچوب قوانین طبیعی.....
- ۳۴.....جور شدن ابزارهای مادی و عادی و معمولی.....
- ۳۵.....دعا جورکننده‌ی روال عادی.....
- ۳۶.....استجابت به معنای برآورده شدن صددرصد خواسته نیست.....
- ۳۷.....معانی ذکر.....
- ۳۷.....خود را در برابر خدا یافتن و به او دل دادن.....
- ۳۸.....ذکر یعنی همنشینی با محبوب.....
- ۳۸.....ذکر یعنی یاد، در مقابل غفلت و نسیان.....
- ۳۹.....ذکر، یعنی به یاد بودن، به یاد آوردن، به هوش بودن و توجه کردن.....
- ۳۹.....ذکر به معنای یاد تکلیف و یاد نعمت الهی است، نه فقط ورد و اوراد.....
- ۳۹.....ذکر یعنی حقیقت را به یاد آوردن.....
- ۴۰.....ذکر یعنی دوری از غفلت.....

۴۰	ذکر یعنی بیدارباش.....
۴۰	ذکر، مانع رفتن به سمتِ معصیت.....
۴۳	فصل دوم: اهمیت دعا و ذکر.....
۴۵	اهمیت دعا.....
۴۵	توفیق دعا، علامت لطف پروردگار.....
۴۵	دعا، بیمه‌کننده‌ی انسان در مقابل جلوه‌های مادی.....
۴۵	دعا، مظهر بندگی در مقابل خداوند.....
۴۶	دعا، بهترین مضامین سرشار از معارف الهی.....
۴۶	دعا، دارای تأثیرات معجزآسا بر روی دل انسان.....
۴۶	دعا، معنادهنده‌ی حیات انسان.....
۴۶	دعا، اسلحه‌ای مایه‌ی نجات.....
۴۷	دعا، کلید همه‌ی خزائن الهی.....
۴۸	دعا، آشکارکننده‌ی محتوای ذهن دعاکننده.....
۴۸	دعا، دارای نقش مؤثر در سازندگی.....
۴۸	دعا و فرصت دعا کردن، یک نعمت.....
۴۹	هفت مرتبه ضمیر متکلم برای خدا، فقط در آیه‌ی دعا.....
۵۰	تکرار إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ در شبانه‌روز.....
۵۰	پیش بردن راه، در گرو دعا.....
۵۰	اهمیت ذکر.....
۵۰	درخواست ذکر کثیر.....
۵۱	راه تقوا، ذکر خداست.....
۵۱	قرآن، وسیله‌ی ذکر.....
۵۱	موضوع ذکر، مسأله‌ی اصلی و اساسی.....
۵۱	ذکر، عرفان واقعی.....
۵۱	ذکر نامحدود.....
۵۲	ذاکر بودن در همه‌ی حالات، از مهم‌ترین تکالیف مؤمنین.....
۵۳	اهمیت صحیفه‌ی سجّادیه.....
۵۳	کتابی بسیار عظیم.....
۵۳	یکی از بهترین ذخایر معنوی ما.....

۵۳ امر به دعا و نهی از ترک آن
۵۳ امر
۵۴ لزوم
۵۴ غنیمت دانستن دعا
۵۴ وظیفه
۵۵ مذمت ترک دعا
۵۵ سلب توفیق دعا، نگران کننده‌تر از سلب توفیق اجابت
۵۵ گرفته شدن حال دعا از انسان، علامتی بد
۵۵ بی‌پشتوانگی، بی‌آمد بی‌نیاز دانستن خود از دعا
۵۵ مقایسه‌ی دعا و ذکر با سایر فضائل
۵۵ دعا، یکی از مهم‌ترین کارهای بنده‌ی مؤمن
۵۶ دعا، مغز عبادت
۵۶ دعا، مهم‌ترین علاج
۵۶ دعا، تنها راه رسیدن به خواسته‌های عظیم
۵۷ ذکر، بزرگتر و مهم‌تر از نهی از فحشا و منکر
۵۷ مقام دعاکنندگان، بیانگر اهمیت دعا
۵۷ پیامبر ﷺ
۵۸ انبیاء علیهم‌السلام
۵۹ اصحاب و حواریون پیامبران
۵۹ امام خمینی (ره)
۶۱ فصل سوم: شرائط دعا، شروط اجابت
۶۳ پیش شرط دعا
۶۳ از جانب خدا
۶۳ اراده‌ی خدا
۶۴ اجازه‌ی پروردگار
۶۵ لطف و توفیق الهی
۶۵ از ناحیه‌ی دعاکننده
۶۵ امید
۶۵ التماس و درخواست حال دعا

شکر.....	۶۵
قطعیتِ اجابت.....	۶۵
دعا مستجاب خواهد شد؛ یا زود و یا دیر.....	۶۵
اگر خدا در دعا را باز کند، در اجابت را نمی‌بندد.....	۶۶
کراهتِ انتظارِ سرعتِ غیرمعمول، برای دریافتِ حاجت.....	۶۷
بی‌قید و شرط بودن اجابت.....	۶۷
وجود شرائط و آداب برای دعا، برای بالا بردن امکانِ اجابت.....	۶۸
اگر دعا به معنای حقیقی کلمه انجام بگیرد، اجابت قطعی و بدون شرط است.....	۶۹
اگر دعا، درست به کار برده شود، اجابت قطعی و بدون شرط است.....	۶۹
موانعِ اجابت.....	۶۹
تصادم با یک قانون الهی دیگر.....	۶۹
درخواستهای غیرممکن.....	۷۱
گناه.....	۷۲
قلب غافل.....	۷۳
شروط حقیقی بودن دعا و قطعی بودن اجابت در پی آن.....	۷۳
اگر شرایط دعا وجود نداشته باشد، دعا مستجاب نمی‌شود.....	۷۳
مؤثر بودن زمان و مکان و خصوصیات.....	۷۴
شروط مرتبط با اعتقادات و حالات دعا کننده نسبت به خداوند.....	۷۴
معرفتِ پروردگار و باور به قدرت او.....	۷۴
انس.....	۷۴
خشوع.....	۷۵
تضرع.....	۷۵
شروط مرتبط با اعتقادات دعا کننده نسبت به دعا.....	۷۶
امید به اجابت.....	۷۶
اصرار بر درخواست، دست برداشتن از دعا.....	۷۶
بزرگ نشمردن حاجات.....	۷۷
ابا نداشتن از طرح خواسته‌های کوچک.....	۷۸
تدبّر در معنای دعاها.....	۷۸
فهم معانی.....	۷۸

۷۹	توجّه
۸۱	حضور قلب
۸۱	مطالبه‌ی حقیقی
۸۲	شروط مرتبط با قلب و دل دعا کننده
۸۲	با همه‌ی دل
۸۲	حرف زدن از دل
۸۳	دل پاک و زبان صادق
۸۳	معطر و مزین کردن دل
۸۳	رقت قلب
۸۳	سوز دل
۸۳	طراوت دل
۸۴	توبه و اجتناب از گناه
۸۴	توبه
۸۵	ترک گناهان
۸۵	خروج از مظالم
۸۵	عمل
۸۸	زمان‌ها و موقعیت‌های برتر
۸۸	رجب
۸۸	شعبان
۸۹	رمضان
۸۹	عید فطر
۸۹	ایام معلومات
۸۹	پیروزی
۹۰	نماز
۹۰	اضطرار و سختی
۹۱	فصل چهارم: فواید و دستاوردهای دعا
۹۳	سه دستاورد عمده‌ی دعا: رشد روحیه‌ی خاکساری، کسب معارف، دریافت حاجات
۹۳	رشد روحیه‌ی ذلت و خاکساری
۹۳	توجّه پیدا کردن به عجز و حقارت و تهی‌دستی خودمان

۹۴	سرکوبی خودبینی و خودخواهی
۹۶	شکستن نفسانیتها
۹۷	مهار نفس
۹۷	کسب معارف
۱۰۱	ماندگار و مؤثر کردن معارف در دل انسان
۱۰۱	اجابت، رفع حاجات، دفع بلا، جلب روزی
۱۰۹	دفع بلا
۱۰۹	جلب رزق و نجات از دست دشمن
۱۱۰	دستاوردهای دیگر دعا
۱۱۰	دفع انگیزه‌های ماده‌گرایانه
۱۱۱	برداشتن موانع درونی
۱۱۱	زدودن غفلت
۱۱۱	روشن شدن راه، معنا پیدا کردن حیات
۱۱۱	دفع سرگستگی و درماندگی
۱۱۲	روشن شدن راه و نجات از سردرگمی و حیرت
۱۱۳	سلوک در صراط مستقیم
۱۱۳	جان گرفتن دوباره‌ی قلب و روح
۱۱۴	معنا پیدا کردن حیات انسان
۱۱۴	تقویت روح عبودیت و عشق به خدا
۱۱۴	ارتباط با خدا، تقویت روح عبودیت
۱۱۴	آشنایی با خدا و پرشدن دل از عشق او
۱۱۵	نزدیک شدن انسان به خدا و زنده نگهداشتن باد خدا در دل
۱۱۵	تقویت و استقرار ایمان در دل
۱۱۶	عشق به خدا
۱۱۶	زنده و نورانی شدن دل انسان
۱۱۶	احیاء و زنده کردن قلوب
۱۱۶	نورانیت، صفا و معنویت
۱۱۷	نورانی نگاه داشتن دل انسان
۱۱۸	تهذیب نفس و تطهیر روح

- تطهیر روح ۱۱۸
- تزکیه ۱۱۸
- تهذیب نفس، پیراستن روح و پالایش ذهن از وسوسه‌ها ۱۱۹
- رشد فضایل اخلاقی در انسان ۱۱۹
- درس اخلاق ۱۲۰
- دمیدن روح اخلاص در انسان ۱۲۱
- دفع آفت فسادپذیری انسان، دفع گناهان ۱۲۱
- دفع آفت فسادپذیری انسان ۱۲۱
- دفع گناه ۱۲۱
- دفع غفلت ۱۲۳
- تعالی و فلاح ۱۲۴
- علو مقام و مرتبه، عروج ۱۲۴
- فلاح ۱۲۴
- کسب قدرت قلبی، استواری و ثبات قدم در مقابل دشمن ۱۲۴
- کسب قدرت قلبی و روحی ۱۲۴
- واهمه نداشتن از قدرتها ۱۲۶
- استواری در مقابل دشمن ۱۲۶
- ثبات قدم ۱۲۷
- امید و نشاط ۱۲۷
- فصل پنجم: در دعا از خدا چه خواهیم؟ نمونه‌هایی از کتابها و دعاهای برجسته ۱۲۹
- در دعاها از خدا چه خواهیم؟ ۱۳۱
- همه چیز را ۱۳۱
- پیشوایان دین به ما یاد می‌دهند چه خواهیم - چیزهای اصلی ۱۳۱
- درخواستهای بزرگ ۱۳۲
- حتی چیزهای کوچک ۱۳۲
- حاجات همه‌ی انسانهایی که روی کره‌ی خاک هستند ۱۳۳
- برای همه‌ی مسلمین ۱۳۴
- اول دیگران، بعد خود ما ۱۳۴
- کتاب نمونه ۱۳۵

۱۳۵	صحیفه‌ی سجّادیه.....
۱۳۵	نمونه‌هایی از بهترین دعاها.....
۱۳۵	دعای هشتم صحیفه‌ی سجّادیه.....
۱۳۶	دعاهای مأثور از جمله دعای ابی حمزه و دعای افتتاح و دعای عرفه.....
۱۳۷	درخواستهای نمونه.....
۱۳۷	هدایت به صراط مستقیم.....
۱۳۸	درخواست مغفرت.....
۱۳۸	نمونه‌ای از درخواستهای ذکرشده در دعای ابی حمزه.....
۱۳۸	زندگی گوارا.....
۱۳۹	بروز و ظهور جوانمردی.....
۱۳۹	اصلاح همه‌ی کارها.....
۱۴۰	دفع نقطه‌های ضربه‌پذیر معنوی.....
۱۴۱	نمونه‌ای از درخواستهای ذکرشده در دعای ماه رمضان.....
۱۴۱	اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ.....
۱۴۱	اللَّهُمَّ اشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ.....
۱۴۲	اللَّهُمَّ اصْلِحْ كُلَّ فَاسِدٍ مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ.....
۱۴۳	ارجاعات.....
۱۴۷	نمایه.....

فصل چهارم:

فواید و دستاوردهای دعا

سه دستاورد عمده‌ی دعا: رشد روحیه‌ی خاکساری، کسب معارف، دریافتِ حاجات

رشد روحیه‌ی ذلت و خاکساری

توجه پیدا کردن به عجز و حقارت و تهی‌دستی خودمان
* از کوچک بودن خواسته هم ابا نداشته باشید. خواسته‌های کوچکِ کوچک را هم از خدا بخواهید. در روایت است که حتی بند کفش خود را - که چیز خیلی حقیری است - از خدا بخواهید. روایتی است از امام باقر علیه السلام که می‌فرماید: «لَا تُحَقِّرُوا صَغِيرًا مِنْ حَوَائِجِكُمْ فَإِنَّ أَحَبَّ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَسْأَلُهُمْ»^(۱)؛ «حاجتهای کوچک را حقیر نشمارید و از خدا بخواهید». خوب؛ انسان به بند کفش احتیاج دارد؛ به در مغازه می‌رود و می‌خرد. این هم دعا لازم دارد؟! بله! تا احساس کردید که به بند کفش و یا هر چیز دیگر به این کوچکی نیاز دارید، دل را متوجه خدا کنید و بگوئید: «پروردگارا! این را هم به من برسان.» رساندنش به چه ترتیب است؟ به این ترتیب است که پول در جیب بگذارم، سرِ کوچه بروم، از مغازه بخرم و بعد هم آن را مورد استفاده قرار دهم. به هر حال، باید از

(۱) مستدرک الوسائل ج: ۵، ص: ۱۷۲؛ الباقر علیه السلام.

خدا بخواهید. اگرچه به در مغازه رفتید، پول دادید و بند کفش خریدید؛ اما باز هم آن را خدا به شما داد. از غیر طریق خدا که چیزی به دست انسان نمی‌رسد. هرچه به ما می‌رسد خدا به ما می‌دهد.

چیزی را که خدا می‌دهد، قبلاً باید از خدا بخواهیم. چرا بخواهیم؟ یکی از علل اینکه گفته‌اند حاجات کوچک را هم از خدا بخواهید، این است که به حوائج و عجز و حقارت و تهی‌دستی خودمان توجه پیدا کنیم تا ببینیم که چقدر تهی‌دستیم. اگر خدای متعال کمک نکند، امکان ندهد، نیرو ندهد، فکر ندهد، ابتکار ندهد و وسایل را جور نیاورد، همان بند کفش هم به دست ما نخواهد رسید. اگر شما به قصد خریدن بند کفش از خانه بیرون آمدید، در راه، جیبتان را زدند یا پولتان گم شد و یا مغازه‌ی مورد نظر، بسته بود و یا در بین راه، حادثه‌ی مهمی پیش آمد که مجبور شدید برگردید، بند کفش گیرتان نیامده‌است. بنابراین، هر چیز را از خدا بخواهید؛ حتی بند کفش را، حتی کوچک‌ترین اشیا را و حتی قوت روزانه‌ی خود را. بگذارید این من دروغین عظمت یافته در سینه‌ی ما - که می‌گوئیم «من» و خیال می‌کنیم مجمع نیروها ما هستیم - بشکند. این «من» انسانها را بیچاره می‌کند. این هم مطلبی در باب دعا که انسان خواسته‌های خود را از طریق دعا به دست آورد.^{۱۸۴}

سرکوبی خودبینی و خودخواهی

❁ اگر این خودبینی و خودخواهی در مقابل خداوند متعال باشد - یعنی انسان خود را در مقابل پروردگار قرار بدهد - نتیجه‌ی آن در انسان، طغیان است: طاغوت. طاغوت هم فقط پادشاهان نیستند؛ هرکدام از ما انسانها ممکن است در درون خودمان - خدای نکرده - یک طاغوت و یک بت تربیت کنیم و پرورش بدهیم. در مقابل خدا سرکشی کردن و

خودبینی داشتن، نتیجه‌اش عبارت از رشد طغیان در انسان است. اگر این خودبینی در مقابل انسانهای دیگر باشد، نتیجه‌اش می‌شود نادیده گرفتن حقوق دیگران؛ تجاوز و دست‌درازی به حقوق این و آن. اگر این خودبینی در مقابل طبیعت واقع بشود، نتیجه‌اش می‌شود تضییع محیط طبیعی؛ یعنی آنچه که امروز به حق درباره‌ی مسئله‌ی محیط زیست در دنیا اهتمام هست. نادیده گرفتن محیط طبیعی زیست انسان هم، نتیجه‌ی طغیان، خودبینی و خودخواهی در مقابل طبیعت است.

دعا ضد همه‌ی این‌هاست. دعا که می‌کنیم، در واقع این حالت خشوع را در خود به وجود می‌آوریم و خودبینی و خودخواهی را در خود سرکوب می‌کنیم، و در نتیجه، جهان هستی و محیط زندگی انسانها از طغیان و تجاوز به حقوق و طبیعت محفوظ می‌ماند. لذا فرمود: «الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ»^(۱)؛ مغز هر عبادتی، دعاست. عبادات برای همین است که بتواند انسان را در مقابل خدای متعال خاشع و دلش را نیز مطیع و تسلیم کند. این اطاعت و خشوع در مقابل خداوند هم از نوع تواضع و خشوع و خضوع انسانها در مقابل یکدیگر نیست؛ بلکه به معنای خشوع و خضوع در مقابل خیر مطلق، جمال مطلق، حُسن مطلق و فضل مطلق اوست.^{۱۸۷}

❁ مطلب اصلی دعا چیست؟ خشوع در مقابل پروردگار. اصل دعا، این است. این که می‌بینید از قول پیغمبر ﷺ نقل شده‌است که فرمود: «الدُّعَاءُ مُخُّ الْعِبَادَةِ»^(۲)؛ «مغز عبادت دعاست» به خاطر آن است که در دعا حالتی وجود دارد که عبارت است از وابستگی مطلق به پروردگار و خشوع در مقابل او. اصل عبادت هم این است. لذاست که در ادامه‌ی آیه‌ی شریفه‌ی

(۱) وسائل الشیعة ج: ۷ ص: ۲۷؛ الرسول ﷺ.

(۲) وسائل الشیعة ج: ۷ ص: ۲۷؛ الرسول ﷺ.

«وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»^(۱) اصل دعا این است که انسان در مقابل خدای متعال، خود را از انانیت دروغین بشری بیندازد. اصل دعا، خاکساری پیش پروردگار است.^{۱۸۸}

شکستن نفسانیتها

❁ خاصیت دعا این است که نفسانیتها را می‌شکند. لذاست که گفته‌اند: حتی چیزهای کوچک را هم از خدا بخواه تا بفهمی که حقیری. بدانی که گاهی اوقات، یک پشه یا مگس، انسان را از کار می‌اندازد، و آسایش وی را می‌گیرد: «وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْفِذُوهُ مِنْهُ ضَعْفَ الطَّالِبِ وَالْمَطْلُوبِ».^(۲) این است که دعا برای تضرع پیش خداست؛ برای عرض حاجت پیش خداست؛ برای تواضع و برای بیرون آمدن از پوسته‌ی دروغین استکبار و استعلاست. خدای متعال، گاهی برای من و شما مشکلاتی به وجود می‌آورد، تا وادار به تضرع و توجه و خشوع‌مان کند. همان‌طور که در آیات کریمه‌ی قرآن می‌فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ فَلَوْ لَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ».^(۳) این تضرع، نه برای خاطر خدا، که به خاطر خود ماست. خدا احتیاجی به تضرع من و شما ندارد:

تیشه زان بر هر رگ و بندم زنند تا که با مهر تو پیوندم زنند

(۱) سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۶۰.

(۲) سوره‌ی حج، آیه‌ی ۷۳.

(۳) سوره‌ی أنعام، آیات ۴۲-۴۳.

این حالت تضرع است که دل را از عشق خدا پر می‌کند؛ انسان را با خدا آشنا می‌کند؛ انسان را از خودبینی و خودنگری فسادانگیز تهی می‌کند و او را از نور مقدس پروردگار و لطف الهی، سرشار می‌سازد. قدر این را بدانید که از همه چیز بالاتر است.^{۱۸۹}

مهار نفس

همه‌ی انسانها مبتلا به این پیل مست در درون وجود خودشان هستند که باید این را مهار کنند. این مهار با ذکر خداست؛ با یاد خداست؛ با پناه بردن به خداست؛ با احساس نیاز به پروردگار است؛ با احساس حقارت خود در مقابل عظمت الهی است؛ با احساس زشتی‌های خود در مقابل جمال مطلق حق متعال است. این‌ها همه‌اش ناشی از ذکر است. انسانی که با تقواست، یعنی مراقب خودش هست و متذکر هست، منشأ شر و ظلم و فساد و طغیان و بدی به این و آن نمی‌شود. آن ذکر الهی مرتب دارد او را نهی می‌کند؛ مرتب دارد او را باز می‌دارد.^{۱۹۰}

کسب معارف

واقعاً این دعاها پُر از معارف است؛ که اگر این‌ها را از حالت دعا بیرون بیاورند، معارف اسلامی متین و اصیل و قوی‌بی را تشکیل می‌دهند که نظیرشان در روایات ما کم است.^{۱۹۱}

و اما، دوّمین چیزی که در دعا وجود دارد، معارف است. و این مخصوص دعاهایی است که از معصوم به ما رسیده‌است. امام سجّاد علیه السلام، «صحیفه‌ی سجّادیه» را به صورت دعا تنظیم فرموده و اصلاً دعا خوانده‌است؛ اما این کتاب، پُر از معارف الهی و اسلامی است. توحید خالص در صحیفه‌ی سجّادیه است. نبوت و عشق به مقام تقدّس نبیّ اسلام صلی الله علیه و آله در صحیفه‌ی سجّادیه است. مثل بقیه‌ی دعاهای مأثور، معارف

آفرینش در این کتاب است. همین «دعای ابی حمزه ی شمالی» که مخصوص سحرهاست - سعی کنید آن را بخوانید و در معنایش توجّه و تدبّر داشته باشید - و همین «دعای کمیل» که شبهای جمعه خوانده می‌شود، از جمله دعاهایی است که سرشار از معارف اسلامی است و در آن‌ها حقایقی به زبان دعا بیان شده‌است. نه اینکه آن بزرگوار - امام سجّاد علیه السلام - نمی‌خواسته دعا کند و دعا را پوشش قرار داده است؛ نه. دعا می‌کرده، مناجات می‌کرده و با خدا حرف می‌زده‌است. منتها انسانی که قلبش با خدا و با معارف الهی آشناست، حرف زدنش هم این‌گونه است. حکمت از او سرریز می‌شود و دعای او هم عین حکمت است.

دعاهایی که ما می‌خوانیم، پر از حکمت است. در دعاهای مأثور از ائمه علیهم السلام که به ما می‌رسد، نکاتی عاید از معارف وجود دارد که حقیقتاً مورد احتیاج انسان است. آن بزرگواران با آوردن این نکات در دعاها به ما یاد می‌دهند که از خدا چه بخواهیم.^{۱۹۲}

✽ این دعاها درس است. اگر در معانی این دعاها تدبّر کنیم، بزرگترین هدیه‌های معنوی الهی را در این‌ها خواهیم یافت.^{۱۹۳}

✽ نکته‌ی آخر در باب دعا، دعاهای مأثور است. دعاهایی که از ائمه رسیده‌است، بهترین دعاهاست. اولاً خواسته‌هایی در این دعاها گنجانده شده‌است که به ذهن امثال ماها اصلاً خطور نمی‌کند و انسان از زبان ائمه علیهم السلام آن‌ها را از خدا طلب می‌کند. در دعای ابوحمزه و دعای افتتاح و دعای عرفه بهترین مطالبات و خواسته‌ها برای انسان مطرح می‌شود؛ که اگر انسان این‌ها را از خدا بخواهد و بگیرد، می‌تواند برای او سرمایه باشد. ثانیاً در این دعاها مایه‌های خشوع و تضرّع وجود دارد. مطلب، با زبان و لحن و بیانی ادا شده‌است که دل را خاشع و نرم می‌کند. با عبارات

فصیح و بلیغ، عشق و شیفتگی و شوق در این دعاها موج می‌زند. انسان باید این دعاها را قدر بداند و از آنها استفاده کند.

البته باید معنای این دعاها را بفهمیم. خوشبختانه الآن ترجمه‌های خوب وجود دارد و مفاتیح الجنان و دعا‌های گوناگون ترجمه شده‌است. با توجه به ترجمه‌ها، دقت کنند و بخوانند. البته تا آنجایی که ما دیده‌ایم، هیچ ترجمه‌ای نتوانسته زیبایی‌های الفاظ این دعاها را منعکس کند؛ ولی بالاخره مضمون دعا معلوم است. با توجه به این ترجمه‌ها دعاها را بخوانند. کسانی که می‌خوانند و با آنها عده‌ای هم‌صدا می‌شوند، بعضی از فقرات دعا را لااقل ترجمه کنند. البته مرتبه‌ی پائین‌ترش هم این است که اگر انسان معنای دعا را نمی‌فهمد، همین‌قدر احساس کند که با یک زبان شیفته‌ی حاکی از سوز دل دارد با خدای متعال حرف می‌زند.^{۱۹۴}

✽ اجابت الهی از طرف پروردگار، هیچ قید و شرطی ندارد؛ این ما هستیم که با اعمال خودمان مانع اجابت می‌شویم؛ ما هستیم که موجب می‌شویم دعای ما مورد اعتنا قرار نگیرد، که خود همین، یکی از معارفی است که می‌توان از دعا استفاده کرد و یکی از خصوصیات دعا، همین است.^{۱۹۵}

✽ در دعاها و اذکار دیشب^(۱) این جمله بود: «اللَّهُمَّ الْعَن قَتْلَةَ امیرالمؤمنین»^(۲)؛ خدایا! قاتلان امیرالمؤمنین را لعنت کن، از رحمت خودت دور کن. در مسجد کوفه، یک نفر که بیشتر بر فرق مبارک حضرت شمشیر نزد؛ اما می‌گوید قاتلان! ببینید، این هم یکی از همان درسهایی است که انسان از دعا می‌گیرد. لازم نیست که انسان، خودش

(۱) شب نوزدهم ماه مبارک رمضان.

(۲) بحار الأنوار ج: ۹۷ ص: ۲۷۳؛ الصّادقُ الطّیّبُ.

مباشراً در حادثه حضور داشته باشد تا حادثه به او منسوب شود.^{۱۹۶}

✽ این‌ها فقط دعا نیست؛ درس است؛ این کلمات امام سجّاد - و همه‌ی ادعیه‌ای که از ائمه علیهم‌السلام مأثور است و بدست ما رسیده‌است - پر است از معارف.^{۱۹۷}

✽ در دعا فقط این نیست که انسان دل را به خدا نزدیک می‌کند؛ این هست، فراگیری هم هست. در دعا هم تعلیم است، هم تزکیه هست. این دعا‌های مأثور از ائمه علیهم‌السلام هم ذهن را روشن می‌کند، هم حقایق و معارفی را که در زندگی به آن‌ها نیاز داریم، به ما می‌آموزد و هم دل را متوجّه به خدا می‌کند. ذکر الهی را خیلی باید مغتنم بشمرید.^{۱۹۸}

✽ جهت دیگری که در دعا هست، این است که در دعا‌هایی که از ائمه علیهم‌السلام به ما رسیده‌است، درسهای بزرگی از معارف اسلام نهفته‌است. این صحیفه‌ی سجّادیه را اگر مطالعه کنید و جنبه‌ی دعایی کلمات را ندیده بگیرید، هر دعای آن یک درس عالی از معارف اسلامی و قرآنی است. اگر کسی خطبه‌ی امیرالمؤمنین علیه‌السلام، در توحید را که خطبه‌ی اول نهج‌البلاغه است، جلو خودش بگذارد، یا دعای اول صحیفه‌ی سجّادیه را که در تحمید است - حمد الهی است - جلو خودش بگذارد، می‌بیند این دو مثل همنند و فرقی با هم ندارند. خطبه‌اند و درسند. امیرالمؤمنین علیه‌السلام، در مقابل جمعی از مردم ایستاده و معارف الهی را بیان کرده و امام سجّاد علیه‌السلام، دعا کرده و به زبان دعا، همان معارف را بیان فرموده‌است. یا دعای هشتم صحیفه - که من بعضی از فقراتش را یادداشت کرده‌ام - یک درس اخلاقی است. کأنه خطبه‌ای است که کسی بخواند، یا یک سخنرانی برای مردم بکند و نغزشگاههای اخلاقی را برای آنان بیان نماید.^{۱۹۹}

✽ پس، نقطه‌ی دوّم این است که در این دعاها، معارف زیادی نهفته‌است. مثلاً در فقرات اول دعای کمیل، همه می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ

لِيَ الذُّنُوبِ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ. اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَنْزِلُ النَّقْمَ. اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ». گناهانی وجود دارد که پرده‌ها را می‌برد. گناهانی وجود دارد که نعمت الهی را بر انسان نازل می‌کند. گناهانی وجود دارد که نعمتها را از انسان می‌گیرد. «اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ»^(۱) گناهانی هم وجود دارد که دعا را حبس می‌کند.^{۲۰۰}

ماندگار و مؤثر کردن معارف در دل انسان

❁ دعا انسان را به خدا نزدیک می‌کند؛ معارف را در دل انسان ماندگار و مؤثر می‌کند؛ ایمان را قوی می‌کند.^{۲۰۱}

اجابت، رفع حاجات، دفع بلا، جلب روزی

❁ دعا وسیله است برای رسیدن به حوائج و مقصودها و هرآنچه که انسان می‌خواهد و آرزو می‌کند.^{۲۰۲}

❁ مقصود عمومی از دعا؛ یعنی خواستن و گرفتن از خداوند متعال. ما انسانها نیازهای زیادی داریم و وجودمان سرتاپا نیاز است. اگر در وجود خودتان دقت کنید، می‌بینید از تنفس کردن و غذا خوردن گرفته تا راه رفتن و گوش کردن و دیدن، همه و همه حاکی از نیاز ما انسان‌هاست. یعنی خدای متعال، مجموعه‌ای از امکانات و نیروها را در اختیار من و شما قرار داده است که با آنها می‌توانیم زندگی کنیم و همه نیز تحت اراده‌ی پروردگار است. هرکدام از این نیروها و امکانات کمبود پیدا کند، انسان دچار مشکل اساسی در زندگی خود می‌شود. مثلاً یک رگ یا یک رشته عصب از کار بیفتد، یک عضله مشکل پیدا کند، تا برسد به مسائل بیرون از وجود انسان یا مسائل روحی یا مسائل اجتماعی. بشر،

(۱) البلدالأمين ص: ۱۸۸؛ امیرالمؤمنین (علیه السلام).

سرتاپا نیاز است. رفع این مشکلات و تأمین این نیازها را از چه کسی باید بخواهیم؟ از خدای متعال که او حاجات ما را می‌داند. «وَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا»^(۱) خدا می‌داند شما چه می‌خواهید، چه لازم دارید و چه چیز از او می‌طلبید و سؤال می‌کنید. پس، از خدا بخواهید. در جای دیگر، می‌فرماید: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»^(۲) پروردگار شما فرموده‌است: «دعا کنید مرا» یعنی «بخوانید مرا؛ من به شما جواب می‌دهم». البته این جواب دادن، به معنای برآمدن حاجت نیست. می‌گوید: «جواب می‌دهم و لَئِيكَ می‌گویم؛ اَسْتَجِبْ لَكُمْ. اما این استجاب الهی، در بسیاری از موارد با دادن حاجت و آن چیز مورد درخواست شما همراه است. پس، این مطلب اول که انسان نیازهایی دارد، و رفع این نیازها را، باید از خدا بخواهد. باید در خانه‌ی خدا رفت، تا از تضرع پیش دیگران، بی‌نیاز شد.

چون روز جمعه و روز توجّه و روز معرفت به کلمات نبی اکرم و ائمه علیهم‌السلام است، چند حدیث کوتاه و مختصر بخوانم. در حدیثی آمده‌است: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الدُّعَاءُ»^(۳) بهترین عبادتها، دعاست. حدیث دیگر، حدیث نبوی است. آن حضرت، به اصحاب خود فرمود: «أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يَنْجِيكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَيُدِرُّ أَرْزَاقَكُمْ؟»^(۴) «آیا می‌خواهید سلاحی را به شما نشان دهم که هم شما را از دشمن حفظ می‌کند و نجات می‌دهد و هم روزی‌تان را فراوان می‌کند؟» این، همان خواستن از خدا برای

(۱) سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۳۲.

(۲) سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۶۰.

(۳) الکافی ج: ۲، ص: ۴۶۶؛ التَّبَايُرُ الطَّيِّبُ.

(۴) الکافی، ج ۲، ص ۴۶۸، الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم.

برآورده شدن حاجات است. «قَالُوا بَلَىٰ يَا رَسُولَ اللَّهِ» «عرض کردند: بلی؛ بفرمائید.» فرمود: «قَالَ تَدْعُونَ رَبَّكُمْ» «خدا را دعا کنید؛ خدا را بخوانید.» «بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ» «شب و روز.» «فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ»^(۱) «سلاح مؤمن، دعاست.» یعنی دنبال حاجات رفتن، با سلاح دعا. با دشمن، با حادثه و با بلیه در افتادن، با سلاح دعا.^{۲۰۳}

✽ انسان خواسته‌های خود را از طریق دعا به دست آورد.^{۲۰۴}

✽ خدای متعال در چند آیه از آیات قرآن وعده کرده‌است که دعا را مستجاب خواهد کرد. یکی از آیات، همین آیه مبارکه‌ی «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»^(۲) است؛ یعنی پروردگار شما فرموده‌است که مرا دعا کنید، تا استجاب کنم. ممکن است استجابت به معنای برآورده شدن صددرصد آن خواسته هم نباشد. گاهی ممکن است قوانین خلقت، اقتضای این را نکند که خدا آن حاجت را حتماً برآورده کند. در مواردی قوانینی وجود دارد که آن خواسته برآورده شدن نیست، یا به زودی برآورده شدن نیست. در غیر این موارد، قاعدتاً خدای متعال پاسخش این است که خواسته‌ی شما را برآورده می‌کند؛ همچنان که در دعای شریف ابی حمزه‌ی ثمالی که در سحرهای ماه رمضان خوانده می‌شود به همین معنا اشاره می‌کند. در قرآن فرموده‌است: «وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا»^(۳)؛ اگرچه خدا عالم است و نیازهای شما را می‌داند، اما شما از خدا بخواهید و به خدا عرض کنید. این آیه را در دعا ذکر می‌کند. البتّه در دعای شریف^(۴): «إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» دارد؛ اما

(۱) الکافی ج: ۲، ص: ۴۶۸؛ أَلرَّسُولُ ﷺ.

(۲) سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۶۰.

(۳) سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۳۲.

(۴) دعای ابی حمزه‌ی ثمالی.

در قرآن «كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» است. بعد می‌فرماید: «وَلَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ».^(۱) امام سجّاد علیه السلام عرض می‌کند: پروردگارا! عادت تو این نیست که مردم را به خواستن امر کنی؛ اما آنچه که آن‌ها خواستند به آن‌ها ندهی. یعنی معنای کرم الهی و رحمت الهی و قدرت محیطه‌ی الهی این است که اگر می‌گویند بخواهید، اراده فرموده‌است که آن خواسته را اجابت کند. این همان وعده‌ی الهی است که در همین آیه‌ای که در اوّل خطبه تلاوت کردم، صریح این معنا را بیان می‌کند: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانُ»^(۲)؛ هرگاه بندگان من درباره‌ی من از تو سؤال کنند که کجاست، بگو ای پیامبر، من نزدیکم و پاسخ می‌گویم و دعوت و خواسته‌ی آن کسی را که از من می‌خواهد و مرا می‌خواند، اجابت می‌کنم. هر کس خدا را بخواند، پاسخی در مقابلش هست: «لِكُلِّ مَسْأَلَةٍ مِنْكَ سَمْعٌ حَاضِرٌ وَجَوَابٌ عَتِيدٌ»^(۳)؛ هر سؤالی از خدا، هر خواسته‌ای از خدا، یک پاسخ قطعی در مقابل دارد. این خیلی مهم است و باید بندگان مؤمن خدا آن را خیلی قدر بدانند. حالا کسی که ایمان ندارد، طبیعی است که از این موقعیت مثل خیلی از موقعیتهای دیگر استفاده نمی‌کند. این وعده‌ی قطعی الهی است؛ یعنی خدای متعال هر خواسته‌ای را جواب خواهد داد. این یک وعده است و البته هر وعده‌ای هم شرایطی دارد.^{۲۰۵}

❁ دعا در چارچوب قوانین طبیعی مستجاب می‌شود و خواسته‌ی شما برآورده می‌گردد. این قدرت خداست که قوانین را جور می‌آورد، کنار هم می‌گذارد و مقصود شما برآورده می‌شود.... اگر عمل و تلاش در راه

(۱) بحار الأنوار ج: ۹۵، ص: ۸۲؛ السّجّاد علیه السلام.

(۲) سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۸۶.

(۳) بحار الأنوار ج: ۸۳، ص: ۵۸؛ الرّضا علیه السلام.

اهداف بزرگ، همراه این دعا باشد، اقبال استجابت این دعا واقعاً بیشتر است. آن وقتی که دعا استمرار پیدا کند، حتماً اقبال استجابت در این دعا بیشتر است. اگر دیده شد که یک دعا چند بار تکرار گردید و مستجاب نشد، نباید مأیوس شد؛ بخصوص در مسائل بزرگ، بخصوص در مسائل مربوط به سرنوشت انسان و سرنوشت کشور و سرنوشت ملتها؛ چون گاهی طبیعت کارهای بزرگ چنین است که تحققش زمان می‌طلبد.^{۲۰۶}

❁ دستاورد دیگر دعا، برآمدن حاجات است. یکی از دستاوردهای دعا این است که حاجاتی که انسان دارد، از خدای متعال می‌خواهد و خدا آن حاجات را برآورده می‌کند. البته همه‌ی خواص دعا این نیست؛ این هم یکی در کنار بقیه‌ی دستاوردهای دعاست. فرمود: «وَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ»^(۱)؛ از خدای متعال بخواهید و نیازهای خودتان را از او بطلبید. در دعای ابوحمزه‌ی ثمالی از قول امام سجّاد علیه السلام این‌طور عرض می‌شود: «وَلَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ وَأَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْعَطَايَا عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ»^(۲)؛ تو به بندگان خودت دستور بدهی که از تو بخواهند، اما بنا داشته باشی که خواسته‌ی آن‌ها را عملی نکنی؛ این امکان ندارد. وقتی خدای متعال به من و شما امر می‌کند که از او بخواهیم و طلب کنیم، معنایش این است که خدای متعال تصمیم دارد که آنچه را می‌خواهیم، به ما بدهد. لذا در روایت است که: «ما كان الله ليفتح... على عبد باب الدعاء و يغلق عنه باب الإجابة» و الله اكرم من ذلك^(۳)؛ خدای متعال کریم‌تر از آن است که باب دعا را باز کند، اما باب اجابت را ببندد.^{۲۰۷}

(۱) سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۳۲.

(۲) بحار الأنوار ج: ۹۵، ص: ۸۲؛ السّجّاد علیه السلام.

(۳) نهج البلاغة؛ قصار ۴۳۵.

✽ در قرآن فرمود: «وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ»^(۱) از خدا بخواهید. «لَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ»^(۲) بگوئید، سؤال کنید، بخواهید و مگر می‌شود که بخواهید و ندهد؟! البته اقتضائات زمان و مکان و خصوصیات و نظایر آن هم، در خواستن از خدا مؤثر است.^{۲۰۸}

اگر دل توانست با یاد خدا خود را معطر و مزین کند، بدون تردید اجابت الهی برای او میسر خواهد شد؛ «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»^(۳) هیچ دعایی بی‌استجابت نیست. استجابت به معنای این نیست که خواسته‌ی انسان حتماً برآورده خواهد شد ممکن است برآورده بشود، ممکن است به علل و مصالح و موجباتی برآورده هم نشود اما استجابت الهی هست. استجابت الهی، پاسخ و توجه و التفات خداست؛ و لو آن خواسته‌ای که من و شما داریم که ای بسا خیال می‌کنیم این خواسته به نفع ماست، اما به زیان ماست تحقق هم پیدا نکند؛ اما «يَا اللَّهُ» شما بی‌گمان لیبکی به دنبال خود دارد.^{۲۰۹}

✽ وقتی ما به درگاه حق متعال دعا می‌کنیم، در حقیقت وسیله‌ای برای رسیدن به حوائج خودمان می‌جوئیم و راهی به سوی این حوائج می‌پیمائیم و از آن استفاده می‌کنیم. این، یک گونه دعا کردن است: دعا برای گرفتن مقصود. این‌طور نیست که کسی گمان کند همه‌ی مقاصد، به وسیله‌ی ابزارها یا وسایل مادی برای انسانها قابل دسترسی است. بلکه چیزهایی را انسان با دعا باید به دست آورد. البته نه دعای تنها و دعای بدون عمل. هیچ فایده‌ای ندارد که انسان در عمل را ببندد و به دعا اکتفا کند. اما در کنار عمل، در کنار اقدام، در کنار به کار انداختن همّت و تلاش، خواستن از خدا را نیز باید قرار بدهیم. این دعا، حاجات را برای

(۱) سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۳۲.

(۲) بحار الأنوار ج: ۹۵، ص: ۸۲؛ السَّجَادَةُ.

(۳) سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۶۰.

انسان برآورده می‌سازد. لذا ملاحظه می‌کنید که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، در میدان جنگ، بعد از آن که همه‌ی کارها را انجام داده است، دعا هم می‌کند. بنابراین، یکی از وظایف ماست که دعا کنیم، تا از این راه به حاجات و اهداف و مقاصد خودمان نائل شویم.^{۲۱۰}

❁ دعا، وسیله‌ای در کنار وسایل دیگر است. به قول بزرگان از محققین و متفکرین ما، همچنان که در عالم وجود، خدای متعال دهها وسیله و سبب و علت قرار داده است، دعا هم یکی از سببهاست. در بسیاری از دعاها، حاجت و مقصود خواستن مطرح می‌شود. مثلاً فرض بفرمائید در همین دعای سحر ماه مبارک رمضان که دعای بسیار عالی‌المضمونی هم هست، بعد از آن که خدای متعال را به اسماء و صفات سوگند می‌دهد، می‌گوید: دعا کن به آنچه که می‌خواهی و مقاصد خودت را از خدا بخواه. بعد از این همه قسم دادن خدای متعال، دعا مستجاب می‌شود. لذا در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام، نقل شده است که فرمود: «إِدْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ عَنْكُمْ بِالْدُّعَاءِ قَبْلَ وُرُودِ الْبَلَاءِ»^(۱)؛ پیش از آن که بلا بر شما وارد شود، با دعا، بلا را دفع کنید. اینها واقعیت است. این، البته بدان معنا نیست که هرچه شما خواستید و هر طور آن را با خدای متعال در میان گذاشتید، برآورده خواهد شد؛ نه. شرایطی دارد، آدابی دارد؛ مثل همه‌ی اسباب عادی و مثل همه‌ی خواستنها. اگر شما از دوستان هم چیزی بخواهید، آداب و تشریفاتش دارد. ادب مخصوص دعا را باید به کار گرفت و عمده‌ترین آداب، این است که انسان به خدای متعال توجه کند و با همه‌ی دل، از خدا بخواهد. هنگامی که قلب انسان رقیق می‌گردد و توجهی پیدا می‌شود، وقت دعاست. آن وقت اگر از خدا بخواهید، غالب

(۱) بحار الأنوار ج: ۹۰ ص: ۲۸۹؛ امیرالمؤمنین علیه السلام.

این است که مقصود برآورده می‌شود. مگر مواردی که در علم الهی، مصالحی وجود دارد که آن مصالح را ما نمی‌دانیم و خدای متعال، به خاطر دعای من و شما مصالح عمومی آفرینش، یا مصالح یک ملت را به هم نمی‌ریزد. آن‌جا که سر راه خواسته‌ی ما، مصلحت بزرگی مانع نباشد و آن‌جا که توجّه لازم را در حال دعا داشته باشیم، دعا مستجاب خواهد شد؛ یا زود و یا دیر.^{۲۱۱}

❁ و اما بعضی دعاها، سه چیز علاوه بر این دو چیز دارند که این سه چیز، خیلی مهم است. یکی از این سه چیز، عبارت است از آن مقصود عمومی از دعا؛ یعنی خواستن و گرفتن از خداوند متعال. ما انسانها نیازهای زیادی داریم و وجودمان سر تا پا نیاز است. اگر در وجود خودتان دقت کنید، می‌بینید از تنفس کردن و غذا خوردن گرفته تا راه رفتن و گوش کردن و دیدن، همه و همه حاکی از نیاز ما انسانهاست. یعنی خدای متعال، مجموعه‌ای از امکانات و نیروها را در اختیار من و شما قرار داده است که با آنها می‌توانیم زندگی کنیم و همه نیز تحت اراده‌ی پروردگار است. هر کدام از این نیروها و امکانات کمبود پیدا کند، انسان دچار مشکل اساسی در زندگی خود می‌شود. مثلاً یک رگ یا یک رشته عصب از کار بیفتد، یک عضله مشکل پیدا کند، تا برسد به مسائل بیرون از وجود انسان یا مسائل روحی یا مسائل اجتماعی.^{۲۱۲}

❁ بشر، سر تا پا نیاز است. رفع این مشکلات و تأمین این نیازها را از چه کسی باید بخواهیم؟ از خدای متعال که او حاجات ما را می‌داند. «وَسْئَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا»^(۱) خدا می‌داند شما چه می‌خواهید، چه لازم دارید و چه چیز از او می‌طلبید و سؤال می‌کنید.

(۱) سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۳۲.

پس، از خدا بخواهید. در جای دیگر، می‌فرماید: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»^(۱) پروردگار شما فرموده‌است: «دعا کنید مرا» یعنی «بخوانید مرا؛ من به شما جواب می‌دهم.» البته این جواب دادن، به معنای برآمدن حاجت نیست. می‌گوید: «جواب می‌دهم و لیبیک می‌گویم»؛ استجب لکم. اما این استجاب الهی، در بسیاری از موارد با دادن حاجت و آن چیز مورد درخواست شما همراه است. پس، این مطلب اول که انسان نیازهایی دارد، و رفع این نیازها را، باید از خدا بخواهد. باید در خانه‌ی خدا رفت، تا از تضرع پیش دیگران، بی‌نیاز شد.^{۲۱۳}

✽ مسأله‌ی بسیار مهمی است. خداوند متعال، وسیله‌ای به انسان داده است که انسان می‌تواند حوائج خود را - مگر در موارد استثنایی که به آن اشاره می‌کنم - با آن برآورده کند. آن وسیله چیست؟ خواستن از خدای متعال است.^{۲۱۴}

دفع بلاء

✽ یک روایت از حضرت سجاد علیه السلام است که می‌فرماید: «الدُّعَاءُ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ النَّازِلَ وَمَا لَمْ يَنْزِلْ»^(۲) هم بلایی که به سوی شما آمده‌است با دعا دفع می‌شود و هم بلایی که نیامده‌است. یعنی اگر دعا نکنید، آن بلا متوجه شما خواهد شد.^{۲۱۵}

جلب رزق و نجات از دست دشمن

✽ حدیث دیگر، حدیث نبوی است. آن حضرت، به اصحاب خود فرمود: «أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يَنْجِيكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَيُدِرُّ أَرْزَاقَكُمْ؟» «آیا

(۱) سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۶۰.

(۲) الکافی ج: ۲، ص: ۴۶۹؛ السَّجَّادِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

می‌خواهید سلاحی را به شما نشان دهم که هم شما را از دشمن حفظ می‌کند و نجات می‌دهد و هم روزی تان را فراوان می‌کند؟» این، همان خواستن از خدا برای برآورده شدن حاجات است. «قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ» عرض کردند: بلی؛ بفرمائید. فرمود: «قَالَ تَدْعُونَ رَبَّكُمْ» خدا را دعا کنید؛ خدا را بخوانید. «بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ»^(۱) «شب و روز»^{۲۱۶}

دستاوردهای دیگر دعا

دفع انگیزه‌های ماده‌گرایانه

✽ ذکر، فوائد عجیبی دارد که حالا من آنچه را که در اینجا یادداشت کرده‌ام، عرض می‌کنم: «دفع انگیزه‌های ماده‌گرایانه و هوس‌رانیهای گمراه‌کننده»^{۲۱۷}

✽ ذکر، مثل مدافعی است که در مقابل هجوم این هوسها، ما را و دل ما را محافظت می‌کند. دل خیلی آسیب‌پذیر است. ما دلمان، روحمان خیلی آسیب‌پذیر است. در مقابل چیزهایی تحت تأثیر قرار می‌گیریم؛ دل مجذوب به جاذبه‌های گوناگونی می‌شود. اگر بخواهیم دل - که جای خداست، جایگاه خداست. رفیع‌ترین مرتبه در وجود انسان، دل انسان است؛ یعنی همان باطن و حقیقت وجودی انسان - سالم و پاکیزه بماند، مدافعی لازم است؛ این مدافع ذکر است. ذکر نمی‌گذارد که دل دستخوش تهاجم بی‌امان هوسهای گوناگون شود و از دست برود. ذکر دل را نگه می‌دارد که در فساد و در جاذبه‌های گمراه‌کننده غرق نشود. در همین رابطه من روایتی را دیدم که خیلی پرمعناست؛ می‌فرماید: «الذَّاكِرُ فِي الْغَافِلِينَ كَالْمُقَاتِلِ فِي الْفَارِّينَ»^(۲) در میدان جنگ، یک رزمنده را می‌بینید که دفاع می‌کند،

(۱) الکافی ج: ۲، ص: ۴۶۸؛ أَلرَسُولُ ﷺ.

(۲) وسائل الشیعة ج: ۷، ص: ۱۶۵؛ أَلرَسُولُ ﷺ.

ایستادگی می‌کند و از همه‌ی امکاناتش برای ضربه‌زدن به دشمن و جلوی تهاجم دشمن را گرفتن، استفاده می‌کند؛ اما رزمنده‌ی دیگر هم ممکن است باشد که بگریزد؛ طاقت تحمل از دست بدهد و از مقابل دشمن بگریزد. می‌فرماید: ذاکر در میان جمع غافل مثل همان سرباز رزمنده‌ی ایستادگی‌کننده است در میان کسانی که دارند فرار می‌کنند. ببینید این تشبیه و نظیر به همین لحاظ است؛ چون او دارد در مقابل تهاجم بیگانه دفاع و ایستادگی می‌کند، ذکر شما هم دارد ایستادگی می‌کند.^{۲۱۸}

برداشتن موانع درونی

❁ موانع درونی را باید با تضرع به درگاه پروردگار، با دعا، با توجه، با تربیت و تهذیب نفس، با تقویت اخلاق، با عبادت و با توسل، از پیش پا بردارید.^{۲۱۹}

زدودن غفلت

❁ دستاوردهای دعا چیست؟ وقتی ما با خدا سخن می‌گوئیم، او را نزدیک خود احساس می‌کنیم، مخاطب خود می‌دانیم و با او حرف می‌زنیم، این دستاوردها از جمله‌ی فواید و عواید دعاست. زنده نگهداشتن یاد خدا در دل، غفلت را - که مادر همه‌ی انحراف‌ها و کجی‌ها و فسادهای انسان، غفلت از خداست - می‌زداید. دعا غفلت را از دل انسان می‌زداید؛ انسان را به یاد خدا می‌اندازد و یاد خدا را در دل زنده نگه می‌دارد. بزرگترین خسارتی که افراد محروم از دعا مبتلای به آن می‌شوند، این است که یاد خدا از دل آن‌ها می‌رود. نسیان و غفلت از خدای متعال برای بشر بسیار خسارت‌بار است.^{۲۲۰}

روشن شدن راه، معنا پیدا کردن حیات

دفع سرگشتگی و درماندگی

❁ دعا، وسیله‌ی مؤمن و ملجأ مضطر و رابطه‌ی انسان ضعیف و جاهل

با منبع فیاض علم و قدرت است، و بشر بی‌رابطه‌ی روحی با خدا و بدون عرض نیاز به غنی بالذات، در عرصه‌ی زندگی سرگشته و درمانده و هدر رفته است؛ «قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ»^(۱) ۲۲۱

روشن شدن راه و نجات از سردرگمی و حیرت

❁ دعا برای انسان راه را روشن می‌کند، انسان را از سردرگمی و حیرت نجات می‌دهد، علاوه بر اینها دعا محتوای ذهن دعا کننده را برای مستمع و مخاطب واضح و آشکار می‌کند. وقتی شما دعای کسی را گوش می‌دهید که با خدا حرف می‌زند می‌توانید از دعای او، از خواهش او کشف کنید که این چگونه انسانی است، حقیر است یا عظیم است، کوتاه‌بین است یا بلندنظر و بلندهمت است، مؤمن است یا مردد است، دعا چیز عجیبی است. لذا در طول تاریخ صدر و اوّل اسلام همه جا دعا هست. پیغمبر در جنگ بدر هم دعا کرد، در جنگ احد هم دعا کرد؛ یعنی دعا پیروزی و شکست نمی‌شناسد. دعا یعنی ارتباط و اتکال انسان با خدا، آن وقتی هم که انسان در اوج قدرت و پیروزی است باز هم محتاج دعا است؛ باید با خدا حرف بزند، باید از خدا بخواهد. قرآن به پیغمبر ما دستور داد که «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحِ» وقتی یاری خدا رسید و پیروزی نصیب شد «وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا» و دیدی که مردم دسته‌دسته و فوج‌فوج به اسلام وارد می‌شوند، تازه «فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ»^(۲) تازه اوّل انابه‌ی تو است، اوّل عرض نیاز تو به درگاه قادر متعال است. ملت ما از وقتی پیروزی را به دست آورد آستانه‌ی دعا را رها نکرد. ببینید امروز در جامعه‌ی ما چقدر دعا و توجه به خدا زیاد است؛ راز پیروزی ما هم همینهاست.^{۲۲۲}

(۱) سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۷۷.

(۲) سوره‌ی نصر، آیات ۱-۳.

سلوک در صراط مستقیم

بنابراین ذکر موجب می‌شود که ما بتوانیم در آن صراط مستقیم سلوک کنیم؛ پیش برویم. آن هدفی که ترسیم کردیم برای خودمان به عنوان مؤمن، به عنوان مسلمان، به عنوان پیرو یک مکتب مترقی، به عنوان کسانی که انگیزه داریم برای برپا داشتن این بنای رفیعی که خبر از شکوفایی تمدن اسلامی در آینده و در قرون آینده می‌دهد، احتیاج داریم به ذکر خدا تا بتوانیم در این جاده حرکت کنیم.^{۲۳۳}

جان گرفتن دوباره‌ی قلب و روح

به مجرد اینکه کسی از خدا غفلت کند، قلب، زندگی خود را از دست می‌دهد و روح، میرا می‌شود. اگر دوباره ذکر و توجه به سراغش بیاید، جان می‌گیرد، و آلا خواهد مرد. اگر رویکرد مجددش به خدا و معنویات، به طول انجامد، تبدیل به جماد خواهد شد. این را اسلام و آیات قرآن به ما می‌گوید: «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ»^(۱) و یا: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^(۲) این‌ها در اسلام است. یعنی همان اسلامی که می‌گوید «به سراغ کشف منابع طبیعی و ساختن این دنیا بروید؛ ابزار مادی را به دست بگیرید؛ ذهن را مجهز به علم کنید؛ دنیا را طبیعت را ماده را و منابع را بشناسید و کشف کنید و پرورش دهید، چون از آن شماست»؛ یادآور می‌شود که «این همه را برای خدا بکنید؛ به یاد خدا باشید؛ ذکر خدا را از دل بیرون نکنید و همه‌ی این حرکات را به صورت عبادت انجام دهید».^{۲۳۴}

(۱) سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۱۶.

(۲) سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۲۸.

معنا پیدا کردن حیات انسان

❁ می‌گوید که باید به در خانه‌ی خدا بروید: «قُلْ مَا يَعْבוُّا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ»^(۱) باید دعا کنید. «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»^(۲) باید دعا کنید تا از خدا جواب بشنوید. حیات/انسان، جز در رابطه با خدا، معنا ندارد.^{۲۲۵}

تقویت روح عبودیت و عشق به خدا

ارتباط با خدا، تقویت روح عبودیت

❁ مهم‌ترین خاصیت دعا- که من قبلاً هم درباره‌ی آن قدری صحبت کرده‌ام- همین ارتباط با خدا و احساس عبودیت در مقابل خداوند، بزرگترین اثر و خاصیت خداست؛ از خدا خواستن، که آن وقت خدای متعال هم اجابت خواهد کرد.^{۲۲۶}

❁ این رابطه‌ی درخواست کردن و گرفتن از خدا، مایه‌ی تعالی روح انسان است و همان تقویت‌کننده‌ی روح عبودیت است. «وَهُوَ رَحِيمٌ كَرِيمٌ لَمْ يَجْعَلْ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ مَنْ يَخْجُبُكَ عَنْهُ»^(۳) خدای متعال بین خودش و تو، واسطه‌ای، فاصله‌ای و حجابی قرار نداده است. هر وقت با خدا شروع کنید به سخن گفتن و عرض نیاز کردن، خدای متعال صدا و درخواست شما را می‌شنود. با خدا همیشه می‌شود هم‌زبان شد، می‌شود گفتگو کرد، می‌شود مأنوس شد و می‌شود از او درخواست کرد. این برای بشر، فرصت و نعمت خیلی بزرگی است.^{۲۲۷}

آشنایی با خدا و پرشدن دل از عشق او

❁ این حالت تضرع است که دل را از عشق خدا پر می‌کند؛ انسان را

(۱) سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۷۷.

(۲) سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۶۰.

(۳) بحار الأنوار ج: ۷۴ ص: ۲۰۵؛ أَلْبَابُ الرَّحْمَةِ.

با خدا آشنا می‌کند؛ انسان را از خودبینی و خودنگری فسادانگیز تهی می‌کند و او را از نور مقدس پروردگار و لطف الهی، سرشار می‌سازد. قدر این را بدانید که از همه چیز بالاتر است.^{۲۲۸}

✽ روح دعا و نماز عبارت است از ارتباط با خدا، آشنا شدن با خدا.^{۲۲۹}

نزدیک شدن انسان به خدا و زنده نگهداشتن یاد خدا در دل

✽ دعا انسان را به خدا نزدیک می‌کند.^{۲۳۰}

✽ دستاوردهای دعا چیست؟ وقتی ما با خدا سخن می‌گوئیم، او را نزدیک خود احساس می‌کنیم، مخاطب خود می‌دانیم و با او حرف می‌زنیم، این دستاوردها از جمله‌ی فواید و عواید دعاست. زنده نگهداشتن یاد خدا در دل، غفلت را - که مادر همه‌ی انحراف‌ها و کجی‌ها و فسادهای انسان، غفلت از خداست - می‌زداید. دعا غفلت را از دل انسان می‌زداید؛ انسان را به یاد خدا می‌اندازد و یاد خدا را در دل زنده نگه می‌دارد. بزرگترین خسارتی که افراد محروم از دعا مبتلای به آن می‌شوند، این است که یاد خدا از دل آن‌ها می‌رود. نسیان و غفلت از خدای متعال برای بشر بسیار خسارت‌بار است. در قرآن چند آیه در این باره ذکر شده و بحث مفصّلی دارد.^{۲۳۱}

تقویت و استقرار ایمان در دل

✽ یکی از وظایف ما در ماه رمضان، دعا کردن است. دعا انسان را به خدا نزدیک می‌کند؛ معارف را در دل انسان ماندگار و مؤثر می‌کند؛ ایمان را قوی می‌کند.^{۲۳۲}

✽ دستاورد دوم دعا، تقویت و استقرار ایمان در دل است. خصوصیت دعا این است که ایمان را در دل پایدار و مستقر می‌کند. ایمان قابل زوال در مواجهه‌ی با حوادث عالم و سختی‌ها، خوشی‌ها، تنعم‌ها و حالات گوناگون انسان، در خطر از بین رفتن است. می‌شناسید کسانی را که

ایمان داشتند؛ اما در مواجهه‌ی با مال دنیا، با قدرت دنیا، با لذات جسمی و شهوات قلبی، ایمان از دست آن‌ها رفت. این، ایمان متزلزل و غیر مستقر است. خصوصیت دعا این است که ایمان را در دل انسان مستقر و ثابت می‌کند و خطر زوال ایمان با دعا و استمرار توجّه به خدای متعال از بین می‌رود.^{۲۳۳}

عشق به خدا

✽ دستاورد پنجم دعا، ایجاد محبّت به خدای متعال است. دعا عشق به خدای متعال را در دل زنده می‌کند. مظهر همه‌ی زیبایی‌ها و خوبی‌ها ذات اقدس پروردگار است. دعا و انس و تکلم با خدای متعال، این محبّت را در دل به وجود می‌آورد.^{۲۳۴}

زنده و نورانی شدن دل انسان

احیاء و زنده کردن قلوب

✽ این انس با خدای متعال و ذکر خدای متعال و استغفار و دعا خیلی تأثیرات معجزآسایی بر روی دل انسان دارد؛ دل‌های مرده را زنده می‌کند.^{۲۳۵}

نورانیت، صفا و معنویت

✽ در قرآن، به ما گفته شده است: «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»^(۱)؛ مرا بخوانید تا به شما پاسخ دهم. یکجا دارد: «وَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ»^(۲)؛ از فضل خدا طلب کنید و بخواید. این‌ها وعده‌های الهی است و وعده‌های الهی، صادقترین وعده‌هاست و حتماً چنانچه از خدا بخواید، خدا به

(۱) سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۶۰.

(۲) سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۳۲.

شما پاسخ خواهد داد. اگر انس پیدا کنید، خواهید دید که خیلی از پاسخها همانی است که در همان لحظه به شما داده می‌شود؛ یعنی آدم نباید خیال کند که پاسخ دعا حتماً همان پولی است که از خدا خواسته‌است و باید برسد! گاهی اوقات پاسخ، همانی است که در آن لحظه به شما می‌دهند. آن چنان نورانی‌تری در دل شما به وجود می‌آید که می‌بینید اصلاً پاسختان را همان ساعت گرفته‌اید. آن حالتی را که انسان در دعا پیدا می‌کند، گاهی احساس می‌کند که دیگر غیر از آن، هیچ چیز نمی‌خواهد.^{۲۳۶}

❁ دعا در عین اینکه دل انسان را با خدا متصل و جان آدمی را سرشار از صفا و معنویت می‌کند، فکر و ذهن او را هم هدایت می‌نماید.^{۲۳۷}

❁ اگر کسی خیال کند که می‌توان دل و روح را بدون این‌ها صاف کرد، سخت در اشتباه است. از راه گریه‌ی نیمه‌شب، از راه خواندن قرآن با تدبّر و با دقت، از راه خواندن ادعیه‌ی صحیفه‌ی سجّادیه، دل انسان صاف می‌شود؛ و الاً این‌طوری نیست که بگوئیم آقا برو دلت را صاف کن؛ هر کاری هم کردی، کردی.^{۲۳۸}

❁ تأثیرات آن علاوه بر تأثیرات فردی و ملی، تأثیرات بین‌المللی خواهد بود. ما دیگر کدام واجب را داریم که این‌طور باشد. این عمل و فریضه، هم دل و روح و باطن خود انسان حج گزار را تصفیه می‌کند، نورانی می‌کند و به خدا نزدیک می‌کند؛ با استغفار و با تضرّع و مناجات الهی آشنا و معنوی می‌کند.^{۲۳۹}

نورانی نگاه داشتن دل انسان

❁ انسان ناامید که چیزی طلب نمی‌کند. پس، دعا یعنی امید، که ملازم با امید به اجابت است. این امید به اجابت، دلها را مُشعل می‌کند و منور نگه می‌دارد.^{۲۴۰}

تهذیب نفس و تطهیر روح

تطهیر روح

❁ بهترین اعمال در این شب، دعاست. درباره‌ی دعا هم امروز مطالبی را به شما برادران و خواهران عرض می‌کنم. احیاء هم برای دعا و توسّل و ذکر است. نماز هم - که در شب‌های قدر یکی از مستحبات است - در واقع مظهر دعا و ذکر است. در روایت وارد شده‌است که «الدُّعَاءُ مَغْزُ الْعِبَادَةِ»^(۱)؛ مغز عبادت، یا به تعبیر رایج ماها، روح عبادت، دعاست. دعا یعنی چه؟ یعنی با خدای متعال سخن گفتن؛ در واقع خدا را نزدیک خود احساس کردن و حرف دل را با او در میان گذاشتن. دعا یا درخواست است، یا تمجید و تحمید است، یا اظهار محبت و ارادت است؛ همه‌ی این‌ها دعاست. دعا یکی از مهم‌ترین کارهای یک بنده‌ی مؤمن و یک انسان طالب صلاح و نجات و نجات است. دعا در تطهیر روح چنین نقشی دارد.^{۲۴۱}

تزکیه

❁ به قول آن عارف معروف^۲ که می‌گوید: «آب که از برکات الهی است، همه‌ی پلیدیها و ناپاکیها را از بین می‌برد؛ هر جسمی که با آب تماس می‌گیرد، پاک می‌شود؛ ولی خود آب تحت تأثیر تماس با ناپاکیها و ناپاکیها، به تصفیه احتیاج پیدا می‌کند و خدای متعال در یک گردش طبیعی، آب را به بخار تبدیل می‌کند؛ به آسمان می‌برد، از بالا مجدداً به صورت قطرات باران به زمین برمی‌گرداند، پلیدیها را از آن جدا می‌کند، آن را تصفیه می‌کند و باز به صورت ماء طهور در اختیار افراد انسان و سایر موجودات قرار می‌دهد.»

(۱) وسائل الشیعة ج: ۷ ص: ۲۷؛ الرسول ﷺ.

(۲) مقصود «مولانا» است که در مثنوی به این مطلب پرداخته است.

گوینده‌ی این سخن حکمت‌آمیز می‌گوید: «این جان شما، معارف شما، نصایح شما، بلکه خود قلب و روح شما، همان ماء طهوری است که ناپاکیها را از انسانها می‌زداید؛ اما خود این ماء طهور بتدریج به تصفیه و تزکیه احتیاج پیدا می‌کند و تزکیه و تصفیه‌ی آن، جز با یک عروج معنوی، جز با یک گردش معنوی به سمت علویات که آن هم با ذکر و دعا حاصل خواهد شد ممکن نمی‌شود.» با ذکر، با توجّه، با توسّل، با مناجات، با نافله، با تضرّع در مقابل خداوند، با تفکّر در آیات آفاقی و انفسی، این ماء طهور باز همان طهارت خود را به دست می‌آورد.^{۲۴۲}

تهذیب نفس، پیراستن روح و پالایش ذهن از وسوسه‌ها

✽ نماز با توجّه، انس با قرآن، دعا و توسّل، تضرّع، روزه‌ی ماه رمضان و عبادات نیمه‌شب، مخصوصاً برای جوانان، که تأثیرپذیریشان زیاد است، می‌تواند مهذب نفس باشد.^{۲۴۳}

✽ روح دعا و نماز عبارت است از ارتباط با خدا، آشنا شدن با خدا، بهره بردن از معنویت، پاکیزه کردن و پیراستن روح، و پالایش کردن ذهن از وسوسه‌ها.^{۲۴۴}

✽ در دعا هم تعلیم است، هم تزکیه هست.^{۲۴۵}

رشد فضایل اخلاقی در انسان

✽ دستاورد چهارم دعا، خودسازی و رشد فضایل اخلاقی در انسان است. انسان با توجّه به خدا و با حرف زدن با خدای متعال، فضایل اخلاقی را در خود تقویت می‌کند؛ این خاصیت قهری و طبیعی انس با پروردگار است؛ بنابراین دعا می‌شود پلکان عروج انسان به سمت کمالات. متقابلاً دعا رذایل اخلاقی را از انسان می‌زداید؛ حرص و کبر و خودپرستی و دشمنی با بندگان خدا و ضعف نفس و جبن و بی‌صبری را از انسان دور می‌کند.^{۲۴۶}

درس اخلاق

❁ و امام سجّاد علیه السلام، دعا کرده و به زبان دعا، همان معارف را بیان فرموده است. یا دعای هشتم صحیفه که من بعضی از فقراتش را یادداشت کرده‌ام یک درس اخلاقی است. کأنّ خطبه‌ای است که کسی بخواند، یا یک سخنرانی برای مردم بکند و لغزشگاههای اخلاقی را برای آنان بیان نماید.^{۲۴۷}

❁ امام سجّاد علیه السلام، این دعا را با این زبان بیان کرده است: «اللّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيْجَانِ الْحَرِصِ، وَ سَوْرَةِ الْغَضَبِ.» حرص، افزایش حرص، شدت خشم، غلبه‌ی حسد، ضعف صبر، کمی قناعت، «شكاسة الخلق» بد اخلاقی، «إلحاح الشهوة» شهوترانی زیاد، «ملكة الحمية» تعصبات ناحق و جانبداریهای به ناحق، «استصغار المعصية، و استكبار الطاعة» گناه خود را کوچک دانستن و طاعت خود را بزرگ شمردن، «سوء الولاية لمن تحت إيدينا» اداری بد مجموعه‌ای که در اختیار ما و زیر دست ماست، «أَنْ نَعْضُدَ ظَالِمًا، أَوْ نَخْذُلَ مَلْهُوفًا»^(۱) به ظالمی کمک کردن و بیچاره‌ای را یاری نرساندن. همه‌ی این مطالب را امام سجّاد علیه السلام، در یک دعا، با این زبان بیان می‌کند، که خدایا، من به تو پناه می‌برم از این چیزها. اینها درسهای اخلاقی است. دعاها صحیفه‌ی سجّادیه، دعای ابی حمزه‌ی ثمالی، دعای افتتاح، یا بقیه‌ی دعاها ماه رمضان - شب و روز جمعه و بقیه‌ی اوقات - و تمام این دعاهایی که از ائمه علیهم السلام به ما رسیده است، پر است از معارف اسلامی درباره‌ی توحید، درباره‌ی نبوت، درباره‌ی حقوق، درباره‌ی وضع جامعه، درباره‌ی اخلاق، درباره‌ی حکومت و درباره‌ی همه‌ی مسائلی که انسان احتیاج دارد از اسلام بداند. در این دعاها، برای ما مطالبی هست که به زبان دعا، معارف بیان شده است و ائمه‌ی ما علیهم السلام،

(۱) صحیفه‌ی سجّادیه علیه السلام، دعای ۸.

در دوران حاکمیت طواغیت، توانسته‌اند این معارف را از این راه به مردم برسانند. این هم یک دیدگاه دیگر در باب دعاست.^{۲۴۸}

دمیدن روح اخلاص در انسان

☉ سوّمین دستاورد، دمیدن روح اخلاص در انسان است. با خدا سخن گفتن و خود را نزدیک او دیدن، به انسان روح اخلاص می‌دهد. اخلاص یعنی کار را برای خدا انجام دادن. همه‌ی کارها را می‌شود برای خدا انجام داد. بندگان خوب خدا همه‌ی کارهای معمولی روزمره‌ی زندگی را هم با نیت تقربّ به خدا انجام می‌دهند و می‌توانند. بعضی هم هستند که حتّی قریب‌ترین و عبادی‌ترین کارها- مثل نماز- را نمی‌توانند برای خدا انجام دهند. بی‌اخلاصی، درد بزرگی برای انسان است. دعا روح اخلاص را در انسان می‌دمد.

دفع آفت فسادپذیری انسان، دفع گناهان

دفع آفت فسادپذیری انسان

☉ برای پیشگیری و نیز درمان این آفت بزرگ، دین خدا «ذکر» را به انسان آموخته‌است. ذکر یعنی حقیقت را به یاد آوردن، خود را در برابر خدا یافتن، به او گوش سپردن و به او دل دادن. و نماز با ترکیب هماهنگ دل و زبان و حرکت، نابترین و کامل‌ترین نمونه و وسیله‌ی ذکر است.^{۲۴۹}

دفع گناه

☉ خوب، حالا ذکر چیست؟ روایتی از حضرت ابی‌عبدالله علیه السلام است. و روایت دیگری هم هست، که آن روایت دوّم بیشتر مورد توجه من بود؛ اما هر دو روایت را می‌خوانم. روایت اوّل از حضرت ابی‌جعفر علیه السلام است؛ حضرت باقر علیه السلام فرمود: «ثَلَاثٌ مِنْ أَشَدِّ مَا عَمِلَ الْعِبَادُ؛ سه چیز

هست که جزو تکالیف بسیار مهم و دشوار مؤمنین است؛ کارهای سخت... سوّم، «وَذِكْرُ اللَّهِ عَلَىٰ كُلِّ حَالٍ»؛ در همه حال ذاکر خدای متعال باشد. ذکر این است.

آن وقت حضرت باقر در همین روایت، «ذِكْرُ اللَّهِ عَلَىٰ كُلِّ حَالٍ» را معنا کرده‌اند: «وَهُوَ أَنْ يَذْكُرَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عِنْدَ الْمَعْصِيَةِ بِهِمْ بِهَا»؛ وقتی که می‌رود به سمت معصیت، ذکر خدا او را مانع بشود. ذکر؛ یاد کند خدا را و این معصیت را انجام ندهد؛ انواع معاصی را؛ خلاف واقع گفتن، دروغ گفتن، غیبت کردن، حق را پوشاندن، بی‌انصافی کردن، اهانت کردن، مال مردم را، مال بیت‌المال را، مال ضعفا را تصرف کردن یا درباره‌ی آن‌ها بی‌اهتمامی به خرج دادن. این‌ها گناهان گوناگون است. در همه‌ی این‌ها، انسان توجه کند به خدا؛ ذکر خدا مانع بشود از اینکه انسان به سمت این گناه برود.

«فَيَحُولُ ذِكْرُ اللَّهِ بَيْنَهُ وَبَيْنَ تِلْكَ الْمَعْصِيَةِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا».^(۱) بعد حضرت می‌فرمایند که این، تفسیر آن آیه است که فرمود: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ»؛ وقتی شیطان به این‌ها تنه می‌زند، گذرنده‌ی شیطان این‌ها را مس می‌کند؛ یعنی هنوز درست به جانش هم نیفتاده، «تَذَكَّرُوا»؛ فوراً این‌ها متذکر می‌شوند. «فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ»^(۲)؛ این ذکر موجب می‌شود که چشم این‌ها، بصیرت این‌ها باز بشود. معنای «ذِكْرُ اللَّهِ عَلَىٰ كُلِّ حَالٍ» این است.

در صدر روایت بعدی که مورد توجه من است، تقریباً عباراتش شبیه همین روایتی است که خواندم و همان سه چیز را ذکر می‌کند. در آن

(۱) بحار الأنوار ج: ۶۶ ص: ۳۷۹؛ الباقر الطیبه.

(۲) سوره‌ی أعراف، آیه‌ی ۲۰۱.

روایت، «و ذکر الله على كل حال» را داشت، در اینجا و در روایتی که حضرت ابی‌عبدالله علیه السلام می‌فرماید، آمده است: «و ذکرُ اللهِ فی کُلِّ موطنٍ»؛ انسان در همه جا ذکر خدا کند. اما آن نکته‌ی مورد توجه این است که می‌فرماید: «أما إنی لا أقولُ سبحانَ اللهِ و الحمدُ لله و لا إلهَ إلا اللهُ و اللهُ أَكْبَرُ»؛ اینی که می‌گویم در همه حال ذکر خدا را بگوئید، مقصودم این نیست که بگوئید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر. این ذکر لفظی است. «وَإِنْ كَانَ هَذَا مِنْ ذَاكَ»؛ اگرچه این هم ذکر است، این هم مطلوب است، این هم شریف است و خیلی باارزش است؛ اما مقصود من فقط این نیست، بلکه «و لَکِنْ ذِکْرُ اللهِ جَلٌّ وَعَزٌّ فِی کُلِّ مَوْطِنٍ إِذَا هَجَمْتَ عَلَى طَاعَةِ أَوْ عَلَى مَعْصِيَةٍ»^(۱) - هَجَمْتَ يَا هَمَمْتَ. نسخه‌ای که من دیدم، هَجَمْتَ است. احتمال می‌دهم هَمَمْتَ باشد- وقتی به سمت طاعت خدا می‌روی، یا به سمت معصیت خدا می‌روی، یاد خدا باشی. این «یاد خدا بودن» مورد نظر است؛ این ذکر الله. البته این اذکاری که در روایات ما، در این دعاها، در این اوراد گوناگون، تسیحات حضرت زهرا و بقیه‌ی اذکاری که هست- این‌ها همه وسایل ذکرند، این‌ها کپسولهای ذکرند- ذکر شده است، انسان باید این‌ها را با توجه به معانی و حقایقشان بر زبان جاری کند؛ توجه پیدا کند. البته این‌ها خیلی باارزش است.^{۲۵۰}

دفع غفلت

❁ دستاوردهای دعا چیست؟ وقتی ما با خدا سخن می‌گوئیم، او را نزدیک خود احساس می‌کنیم، مخاطب خود می‌دانیم و با او حرف می‌زنیم، این دستاوردها از جمله‌ی فوائد و عواید دعاست. زنده نگهداشتن یاد خدا در دل، غفلت را- که مادر همه‌ی انحراف‌ها و کجی‌ها و فسادهای انسان، غفلت از

(۱) الکافی ج: ۲، ص: ۱۴۵؛ الصّادق علیه السلام.

خداست - می‌زداید. دعا غفلت را از دل انسان می‌زداید؛ انسان را به یاد خدا می‌اندازد و یاد خدا را در دل زنده نگه می‌دارد. بزرگترین خسارتی که افراد محروم از دعا مبتلای به آن می‌شوند، این است که یاد خدا از دل آن‌ها می‌رود. نسیان و غفلت از خدای متعال برای بشر بسیار خسارت‌بار است.^{۲۵۱}

تعالی و فلاح

علو مقام و مرتبه، عروج

✽ خود حرف زدن با پروردگار، خود تضرع کردن، با خدای متعال سخن گفتن، نزد خدای متعال عذرخواهی و توبه و استغفار کردن، برای انسان یکی از مقاصد و هدفهاست. این، بالاترین جنبه‌هایی است که در دعا وجود دارد. نفس اینکه انسان در مقابل پروردگار بایستد و اشک بریزد و اظهار کوچکی و حقارت کند، برای انسان یک علو مقام و مرتبه است. بشر با تضرع در پیش خدای متعال است که عروج می‌کند و اوج می‌گیرد. بدبختی انسان وقتی است که از خدای متعال غافل شود. سیه‌رویی انسان وقتی است که خود را به خدا محتاج نداند.^{۲۵۲}

فلاح

✽ ذکر خدا کنید که این ذکر خدا موجب فلاح و کامیابی شماست. ذکر خدا پشتوانه‌ی ثبات قدم است.^{۲۵۳}

کسب قدرت قلبی، استواری و ثبات قدم در مقابل دشمن

کسب قدرت قلبی و روحی

✽ دعا علامت ضعف نیست، علامت قوت است. انسان با دعا کسب قدرت می‌کند، نیروی قلبی و روحی خودش را - که پشتوانه‌ی نیروی جسمی است - افزایش می‌دهد.^{۲۵۴}

✪ جمهوری اسلامی، آن نظامی که باید با قلدرهای جهان مقابله کند؛ آن ملتی که باید با کوههای فساد دریفتند؛ آن جامعه و نظامی که در مقابل هیچ قلدری سر خم نمی‌کند و برای نجات انسانیت تلاش می‌نماید، چنین جامعه و نظامی، در درون و در دل افراد خود باید درهایی به سوی دعا و تضرع باز کرده باشد. بدون این، نمی‌شود. اگر می‌خواهید در مقابل دشمن، استوار باشید، باید باب دعا را به روی خودتان باز کنید. اگر می‌خواهید از کسی و چیزی نترسید، باید رابطه‌ی خود را با خدا قوی کنید. اگر می‌خواهید در مقابل جلوه‌های مادی تکان نخورید و نلغزید، باید خود را با دعا و تضرع بیمه کنید. این، دعاست. این، وظیفه‌ی قلبی همه‌ی انسانهاست. راهی است که انسان از درون خود، با خدای متعال باز می‌کند. و لذا شما می‌بینید امیرالمؤمنین علیه السلام، آن انسان شجاع، آن جنگجو، آن مرد بزرگ، آن حاکم قدرتمند و نیرومند؛ آن کسی که فکر و ذهن و عقل و حکمت و درس و معارف او برای فرزانه‌ترین فلاسفه و حکمای عالم درس است و باید زانو بزنند و یاد بگیرند؛ آن انسان نیرومندی که اگر همه‌ی دنیا در مقابلش باشد، پشت نمی‌کند، از همه‌ی مردم زمان خود عابدتر و پیش خدای متعال گریه‌کننده‌تر و متضرع‌تر است.^{۲۵۵}

✪ دعا به انسان توانایی و قدرت می‌دهد و انسان را در مقابل حوادث مستحکم می‌کند؛ لذا در روایت از «دعا» تعبیر شده‌است به سلاح. از نبی مکرم نقل شده‌است که فرمود: «أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يَنْجِيكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ»؛ اسلحه‌ای را به شما معرفی کنم که مایه‌ی نجات شماست؛ «تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ».^(۱) در مواجهه‌ی با حوادث، توجه به

(۱) الکافی ج: ۲، ص: ۴۶۸؛ الرسول صلی الله علیه و آله.

خدای متعال، مثل سلاح بُرنده‌ای در دست انسان مؤمن است. لذا در میدان جنگ، پیغمبر مکرم اسلام همه‌ی کارهای لازم را انجام می‌داد؛ سپاه را می‌آراست، سربازان را به صف می‌کرد، امکانات لازم را به آن‌ها می‌داد، توصیه‌های لازم را به آن‌ها می‌کرد، اشراف فرماندهی خودش را اعمال می‌کرد؛ اما در همان وقت هم وسط میدان زانو می‌زد، دست به دعا بلند می‌کرد، تضرع می‌کرد، با خدای متعال حرف می‌زد و از او می‌خواست. این ارتباط با خدا، دل انسان را مستحکم می‌کند.^{۲۵۶}

واهمه نداشتن از قدرتها

❁ دلی که از خوف و محبت خدا و توجه به پروردگار پر شد، دیگر از هیچ قدرتی واهمه نخواهد داشت. فایده‌ی دعا این است.^{۲۵۷}

استواری در مقابل دشمن

❁ اگر می‌خواهید در مقابل دشمن، استوار باشید، باید باب دعا را به روی خودتان باز کنید. اگر می‌خواهید از کسی و چیزی نترسید، باید رابطه‌ی خود را با خدا قوی کنید. اگر می‌خواهید در مقابل جلوه‌های مادی تکان نخورید و نلغزید، باید خود را با دعا و تضرع بیمه کنید. این، دعاست. این، وظیفه‌ی قلبی همه‌ی انسانهاست. راهی است که انسان از درون خود، با خدای متعال باز می‌کند. و لذا شما می‌بینید امیرالمؤمنین علیه السلام، آن انسان شجاع، آن جنگجو، آن مرد بزرگ، آن حاکم قدرتمند و نیرومند؛ آن کسی که فکر و ذهن و عقل و حکمت و درس و معارف او برای فرزانه‌ترین فلاسفه و حکمای عالم درس است و باید زانو بزنند و یاد بگیرند؛ آن انسان نیرومندی که اگر همه‌ی دنیا در مقابلش باشد، پشت نمی‌کند، از همه‌ی مردم زمان خود عابدتر و پیش خدای متعال گریه‌کننده‌تر و متضرع‌تر است.^{۲۵۸}

ثبات قدم

✽ ذکر خدا پشتوانه‌ی ثبات قدم است. بنابراین ذکر موجب می‌شود که ما بتوانیم در آن صراط مستقیم سلوک کنیم؛ پیش برویم. آن هدفی که ترسیم کردیم برای خودمان به عنوان مؤمن، به عنوان مسلمان، به عنوان پیرو یک مکتب مترقی، به عنوان کسانی که انگیزه داریم برای برپا داشتن این بنای رفیعی که خبر از شکوفایی تمدن اسلامی در آینده و در قرون آینده می‌دهد، احتیاج داریم به ذکر خدا تا بتوانیم در این جاده حرکت کنیم.^{۲۵۹}

امید و نشاط

✽ دستاورد ششم دعا، دمیدن روح/امید در انسان است. دعا به انسان قدرت مقاومت در مقابل چالشهای زندگی را می‌دهد. هرکس در دوران زندگی خود با حوادثی مواجه می‌شود و چالش‌هایی پیدا می‌کند. دعا به انسان توانایی و قدرت می‌دهد و انسان را در مقابل حوادث مستحکم می‌کند؛ لذا در روایت از «دعا» تعبیر شده‌است به سلاح. از نبی مکرم نقل شده‌است که فرمود: «أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يُنَجِّكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ؟» اسلحه‌ای را به شما معرفی کنم که مایه‌ی نجات شماست؛ «تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدَّعَاءُ».^(۱) در مواجهه‌ی با حوادث، توجه به خدای متعال، مثل سلاح برنده‌ای در دست انسان مؤمن است. لذا در میدان جنگ، پیغمبر مکرم اسلام همه‌ی کارهای لازم را انجام می‌داد؛ سپاه را می‌آراست، سربازان را به صف می‌کرد، امکانات لازم را به آنها می‌داد، توصیه‌های لازم را به آنها می‌کرد، اشراف فرماندهی خودش را

(۱) الکافی ج: ۲، ص: ۴۶۸؛ أَلرَسُولُ ﷺ.

اعمال می‌کرد؛ اما در همان وقت هم وسط میدان زانو می‌زد، دست به دعا بلند می‌کرد، تضرع می‌کرد، با خدای متعال حرف می‌زد و از او می‌خواست. این ارتباط با خدا، دل انسان را مستحکم می‌کند.^{۲۶۰}

✪ انسان ناامید که چیزی طلب نمی‌کند. پس، دعا یعنی امید، که ملازم با امید به اجابت است. این امید به اجابت، دلها را مشعل می‌کند و منور نگه می‌دارد. به برکت دعا، جامعه بانشاط و اهل حرکت می‌شود.^{۲۶۱}



در دعا از خدا چه بخواهیم؟ نمونه‌هایی از کتابها و دعاهای برجسته

در دعاها از خدا چه بخواهیم؟

همه چیز را

❁ دعاها را رها نکنید، همه چیز را با دعا بخواهید.^{۲۶۲}

پیشوایان دین به ما یاد می‌دهند چه بخواهیم - چیزهای اصلی
❁ دعاهایی که ما می‌خوانیم، پر از حکمت است. در دعاهای مأثور از
ائمّه علیهم‌السلام که به ما می‌رسد، نکاتی عاید از معارف وجود دارد که حقیقتاً
مورد احتیاج انسان است. آن بزرگواران با آوردن این نکات در دعاها به
ما یاد می‌دهند که از خدا چه بخواهیم.^{۲۶۳}

❁ معصومین علیهم‌السلام، یاد می‌دهند که چه باید از خدا بخواهیم. چیزهایی
که باید از خدا خواست، همانهاست که آن بزرگواران در ادعیه مطرح
می‌کنند. بعضی در دنیا، به سراغ زیادهای زندگی می‌روند. می‌گویند:
فلان معامله برای من جور شود. فلان سفر درست شود. فلان شغل گیرم
بیاید. و... چرا انسان چیزهای اصلی را از خدا نخواهد؟! پیشوایان دین به
ما یاد می‌دهند: «این گونه دعا کنید و این چیزها را از خدا بخواهید.»
البتّه نوع دعاهایی که آنان به ما یاد می‌دهند، یک فصل طولانی را به
خود اختصاص می‌دهد.^{۲۶۴}

درخواستهای بزرگ

❁ در دعا همّت بلند داشته باشید؛ درخواست‌های بزرگ بکنید؛ سعادت دنیا و آخرت را بخواهید و نگوئید این‌ها بزرگ است، این‌ها زیاد است؛ نه، برای خدای متعال این‌ها چیزی نیست. عمده این است که شما به معنای حقیقی کلمه و با همین شرایط، طلب کنید؛ خدای متعال این طلب را اجابت خواهد کرد.^{۲۶۵}

حتی چیزهای کوچک

❁ ضمناً، از کوچک بودن خواسته هم ابا نداشته باشید. خواسته‌های کوچک کوچک را هم از خدا بخواهید. در روایت است که حتّی بند کفش خود را - که چیز خیلی حقیری است - از خدا بخواهید. روایتی است از امام باقر علیه السلام که می‌فرماید: «لَا تُحْفَرُوا صَغِيرًا مِنْ حَوَائِجِكُمْ فَإِنَّ أَحَبَّ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَسْأَلُهُمْ»^(۱)؛ «حاجتهای کوچک را حقیر نشمارید و از خدا بخواهید». خوب؛ انسان به بند کفش احتیاج دارد؛ به در مغازه می‌رود و می‌خرد. این دعا لازم دارد؟! بله! تا احساس کردید که به بند کفش و یا هر چیز دیگر به این کوچکی نیاز دارید، دل را متوجّه خدا کنید و بگوئید: «پروردگارا! این را هم به من برسان». رساندنش به چه ترتیب است؟ به این ترتیب است که پول در جیبم بگذارم، سرِ کوچه بروم، از مغازه بخرم و بعد هم آن را مورد استفاده قرار دهم. به‌هرحال، باید از خدا بخواهید. اگرچه به در مغازه رفتید، پول دادید و بند کفش خریدید؛ اما باز هم آن را خدا به شما داد. از غیر طریق خدا که چیزی به دست انسان نمی‌رسد. هرچه به ما می‌رسد خدا به ما می‌دهد.

(۱) مستدرک الوسائل ج: ۵، ص: ۱۷۲؛ الباقر علیه السلام.

چیزی را که خدا می‌دهد، قبلاً باید از خدا بخواهیم. چرا بخواهیم؟ یکی از علل اینکه گفته‌اند حاجات کوچک را هم از خدا بخواهید، این است که به حوائج و عجز و حقارت و تهی‌دستی خودمان توجه پیدا کنیم تا ببینیم که چقدر تهی‌دستیم. اگر خدای متعال کمک نکند، امکان ندهد، نیرو ندهد، فکر ندهد، ابتکار ندهد و وسایل را جور نیآورد، همان بند کفش هم به دست ما نخواهد رسید. اگر شما به قصد خریدن بند کفش از خانه بیرون آمدید، در راه، جیتان را زدند یا پولتان گم شد و یا مغازه‌ی مورد نظر، بسته بود و یا در بین راه، حادثه‌ی مهمی پیش آمد که مجبور شدید برگردید، بند کفش گیرتان نیامده‌است. بنابراین، هر چیز را از خدا بخواهید؛ حتی بند کفش را، حتی کوچک‌ترین اشیا را و حتی قوت روزانه‌ی خود را. بگذارید این من دروغین عظمت یافته در سینه‌ی ما - که می‌گوئیم «من» و خیال می‌کنیم مجمع نیروها ما هستیم - بشکند. این «من» انسانها را بیچاره می‌کند. این هم مطلبی در باب دعا که انسان خواسته‌های خود را از طریق دعا به دست آورد.^{۲۶۶}

☉ گفته‌اند: حتی چیزهای کوچک را هم از خدا بخواه تا بفهمی که حقیری. بدانی که گاهی اوقات، یک پشه یا مگس، انسان را از کار می‌اندازد، و آسایش وی را می‌گیرد: «إِنْ يَسْلُبُهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعْفَ الطَّالِبِ وَالْمَطْلُوبِ.»^{(۱) ۲۶۷}

حاجات همه‌ی انسانهایی که روی کره‌ی خاک هستند

☉ حال نگاه کنید به حاجات خودتان، حاجات مسلمانان، حاجات کشورتان، حاجات برادران مؤمنان؛ به مریضها، به مریض‌دارها، به

(۱) سوره‌ی حج، آیه‌ی ۷۳.

جانبازان، به غم دیده‌ها، به دل‌های غمگین، به چشم‌های نگران، به نیازهای فراوانِ انسانهایی که حول و حوش شما، زیر سقف شما و در کشور شما هستند، در دنیای اسلام هستند، روی کره‌ی خاک هستند. همه‌ی این حاجات را در این شب‌های قدر، یکی یکی از خدای متعال بخواهید.^{۲۶۸}

✽ شما در هر روز از ماه رمضان - بنا بر مآثور - بعد از هر نماز می‌گوئید: «اللَّهُمَّ ادْخِلْ عَلَيَّ أَهْلَ الْقُبُورِ السُّرُورَ. اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ» از خدا می‌خواهید همه‌ی فقرا را غنی کند. فقط فقرای ایران را نمی‌گوئید. «اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ» یعنی همه‌ی فقرای اسلام غنی شوند. این‌ها، خیلی مهم است. در ادامه‌ی این دعا می‌گوئید: «اللَّهُمَّ اشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ اللَّهُمَّ اكْسُ كُلَّ عُرْيَانٍ»^(۱) انسان حاجتی به این کلانی از خدا می‌خواهد!^{۲۶۹}

برای همه‌ی مسلمین

✽ بعضی چیزها را برای همه‌ی مسلمین بخواهید. در همین دعا، عبارت «اللَّهُمَّ اصْلِحْ كُلَّ فَاسِدٍ مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ»^(۲)، از آن مسلمانان است.^{۲۷۰}

اول دیگران، بعد خود ما

✽ امام حسن مجتبی علیه السلام می‌گوید: شب جمعه‌ای مادرم به عبادت ایستاد و تا صبح عبادت کرد. «حَتَّى انْفَجَرَ عَمُودُ الصُّبْحِ» تا وقتی که طلوع فجر شد. مادر من از سر شب تا صبح مشغول عبادت بود و دعا و تضرع کرد. امام حسن علیه السلام می‌گوید شنیدم که دائم مؤمنین و مؤمنات را دعا کرد؛ مردم را دعا کرد؛ برای مسائل عمومی دنیای اسلام دعا کرد. صبح که شد گفتم: «يَا أُمَّاه!»، «مادرم!» «لَمْ لَا تَدْعِينِ لِنَفْسِكَ كَمَا تَدْعِينِ لِغَيْرِكِ؟»؛ «یک دعا برای

(۱) مستدرک الوسائل ج: ۷، ص: ۴۴۷؛ الرسول صلی الله علیه و آله.

(۲) همان.

خودت نکردی! یک شب تا صبح دعا، همه برای دیگران!؟» در جواب فرمود: «يَا بَنِي الْجَارِ ثُمَّ الدَّارُ»^(۱)؛ «اول دیگران بعد خود ما» این، آن روحیه‌ی والاست.^{۲۷۱}

کتاب نمونه

صحیفه‌ی سجّادیه

❁ با صحیفه‌ی سجّادیه مأنوس شوید. کتاب بسیار عظیمی است. اینکه گفته‌اند زبور آل محمد، واقعاً همین‌طور است؛ پُر از نغمه‌های معنوی است، دعا و درس است.^{۲۷۲}

❁ به نظر من صحیفه‌ی سجّادیه‌ی مبارکه یکی از بهترین ذخایر معنوی ماست، اگر بتوانیم از این استفاده کنیم.^{۲۷۳}

نمونه‌هایی از بهترین دعاها

❁ دعاهایی که از ائمه رسیده‌است، بهترین دعاهاست. اولاً خواسته‌هایی در این دعاها گنجانده شده‌است که به ذهن امثال ماها اصلاً خطور نمی‌کند و انسان از زبان ائمه علیهم‌السلام آن‌ها را از خدا طلب می‌کند. در دعای ابوحمزه و دعای افتتاح و دعای عرفه بهترین مطالبات و خواسته‌ها برای انسان مطرح می‌شود؛ که اگر انسان این‌ها را از خدا بخواهد و بگیرد، می‌تواند برای او سرمایه باشد.^{۲۷۴}

دعای هشتم صحیفه‌ی سجّادیه

❁ و امام سجّاد علیه‌السلام، دعا کرده و به زبان دعا، همان معارف را بیان فرموده‌است. یا دعای هشتم صحیفه که من بعضی از فقراتش را یادداشت

(۱) بحار الأنوار ج: ۸۶ ص: ۳۱۳؛ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه‌السلام.

کرده‌ام یک درس اخلاقی است. کأنّهُ خطبه‌ای است که کسی بخواند، یا یک سخنرانی برای مردم بکند و لغزشگاههای اخلاقی را برای آنان بیان نماید.^{۲۷۵}

دعاهای مأثور از جمله دعای ابی حمزه و دعای افتتاح و دعای عرفه

نکته‌ی آخر در باب دعا، دعاهای مأثور است. دعاهایی که از ائمه رسیده‌است، بهترین دعاهاست. اولاً خواسته‌هایی در این دعاها گنجانده شده‌است که به ذهن امثال ماها اصلاً خطور نمی‌کند و انسان از زبان ائمه علیهم‌السلام آن‌ها را از خدا طلب می‌کند. در دعای ابوحمزه و دعای افتتاح و دعای عرفه بهترین مطالبات و خواسته‌ها برای انسان مطرح می‌شود؛ که اگر انسان این‌ها را از خدا بخواهد و بگیرد، می‌تواند برای او سرمایه باشد. ثانیاً در این دعاها مایه‌های خشوع و تضرع وجود دارد. مطلب، با زبان و لحن و بیانی ادا شده‌است که دل را خاشع و نرم می‌کند. با عبارات فصیح و بلیغ، عشق و شیفتگی و شوق در این دعاها موج می‌زند. انسان باید این دعاها را قدر بداند و از آن‌ها استفاده کند.

البته باید معنای این دعاها را بفهمیم. خوشبختانه الآن ترجمه‌های خوب وجود دارد و مفاتیح الجنان و دعاهای گوناگون ترجمه شده‌است. با توجه به ترجمه‌ها، دقت کنند و بخوانند. البته تا آنجایی که ما دیده‌ایم، هیچ ترجمه‌ای نتوانسته زیبایی‌های الفاظ این دعاها را منعکس کند؛ ولی بالاخره مضمون دعا معلوم است. با توجه به این ترجمه‌ها دعاها را بخوانند. کسانی که می‌خوانند و با آن‌ها عده‌ای هم‌صدا می‌شوند، بعضی از فقرات دعا را لااقل ترجمه کنند. البته مرتبه‌ی پائین‌ترش هم این است که اگر انسان معنای دعا را نمی‌فهمد، همین قدر احساس کند که با یک زبان شیفته‌ی حاکی از سوز دل دارد با خدای متعال حرف می‌زند.^{۲۷۶}

اگر کسی معنای دعا، مثلاً دعای ابی حمزه‌ی ثمالی، یا دعای امام حسین علیه‌السلام

در روز عرفه را بفهمد و توجه کند که هر دو خیلی طولانی هستند و چون گاهی انسان معنا را هم می‌داند، اما توجه نمی‌کند، ذهنش جاهای دیگر می‌رود امکان ندارد از این دعای به این بلندی خسته شود. یعنی این گفتگویی که در این دعا انجام گرفته، بین آن بنده‌ی برگزیده و شایسته و با معرفت و خدا، این قدر پُر جاذبه و نافذ و حقیقی است یعنی بیان‌کننده‌ی آن خواسته‌های فطری انسان است که امکان ندارد کسی هیچ‌وقت از آن خسته شود.^{۲۷۷}

❁ **دعای شریف ابی حمزه‌ی شمالی**، این دعای طولانی، حالت مناجاتی عجیب دارد. و اما لابه‌لای این مناجات‌ها، نیازهای واقعی انسان نهفته است. نیازهای واقعی آنهایی است که این بزرگوار از خدای متعال می‌خواهد.^{۲۷۸}

❁ **دعاهای مأثور از ائمه علیهم‌السلام** بهترین مضامین در زیباترین الفاظ و سرشار از معارف الهی است که قدر آن‌ها را باید دانست و بایستی به آن‌ها متوسّل شد.^{۲۷۹}

❁ **بهترین دعا آن است که از سر معرفتی عاشقانه به خدا و بصیرتی عارفانه به نیازهای انسان انشا شده باشد**، و این را فقط در مکتب پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت طاهرین او - که اوعیه‌ی علم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و وراثت حکمت و معرفت اویند - می‌توان جست.^{۲۸۰}

❁ **این دعاها را در اختیار ما گذاشته‌اند**. کیفیت حرف زدن و مناجات کردن با خدا را به ما یاد داده‌اند. معین کرده‌اند که چه حرفهایی را می‌شود با خدا زد. بعضی از این جملات ادعیه‌ی مأثوره از ائمه علیهم‌السلام هست که اگر این‌ها نبود، آدم نمی‌توانست خودش تشخیص بدهد که می‌شود با خدا با این زبان حرف زد و این‌طور از خدا خواست و التماس کرد.^{۲۸۱}

در خواسته‌های نمونه

هدایت به صراط مستقیم

❁ **در هر نمازی هم اقلّاً در دو رکعتش می‌گوئیم: «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ**

الْمُسْتَقِيمِ»... شما هفده رکعت نماز واجب می‌خوانید. از این هفده رکعت باید در ده رکعتش «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» بگوئید.^{۲۸۲}

معمولاً انسان یک‌بار دعا می‌کند. اینکه دائم صراط مستقیم را از خدا می‌خواهیم، همان استجابت «إِسْتَجِبْ كَمَا أُمِرْتُ»^(۱) است.^{۲۸۳}

درخواست مغفرت

وقتی اصحاب و حواریون پیامبران، در جنگها و حوادث گوناگون، دچار مصیبتی می‌شدند، روی دعا به جانب پروردگار می‌نمودند و عرض می‌کردند: «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا»^(۲)؛ خدایا! گناهان و زیاده‌روی‌ها و بی‌توجهی‌هایی را که در کار خودمان کردیم، ببامرز.^{۲۸۴}

نمونه‌ای از درخواستهای ذکرشده در دعای ابی حمزه

زندگی گوارا

من از دعای شریف ابی حمزه‌ی ثمالی چند فقره برایتان عرض می‌کنم. این دعای طولانی، حالت مناجاتی عجیب دارد که در بخش سوّم عرض خواهم کرد. و اما لابه‌لای این مناجاتها، نیازهای واقعی انسان نهفته‌است. نیازهای واقعی آنهایی است که این بزرگوار از خدای متعال می‌خواهد. مثلاً در فرازی از دعا، خطاب به قادر متعال، عرض می‌کند: «أَرْغِدْ عَيْشِي»^(۳)؛ «زندگی مرا زندگی گوارایی قرار بده.» گوارا بودن زندگی، نه با پول، نه با قدرت و نه با داشتن زر و زور است. زیرا یک فرد، در عین برخورداری از همه‌ی این امکانات، ممکن است زندگی برایش گوارا نباشد. نگرانی‌ای دارد که زندگی برایش گوارا نیست. مشکل خانوادگی‌ای دارد که زندگی برایش گوارا نیست.

(۱) سوره‌ی شوری، آیه‌ی ۱۵.

(۲) سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۴۷.

(۳) بحار الأنوار ج: ۹۵، ص: ۹۱؛ السَّجَّادَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

اولادش مشکلی پیدا می‌کند - العیاذُ باللَّه، نستجیر باللَّه، یکی از فرزندان وی، اخلاق بدی دارد - دیگر زندگی برایش گوارا نیست. خبر بدی به انسان می‌رسد؛ زندگی بر او تلخ و ناگوار می‌شود. این انسان، هم پول دارد، هم قدرت دارد، هم امکانات دارد؛ همه چیز دارد؛ اما زندگی گوارا ندارد. ممکن است انسان فقیری که زندگی خیلی ساده‌ای دارد و در اتاقی محقر، با عیال و فرزندش در عین تنگدستی گذران زندگی می‌کند، زندگی‌اش گواراتر از آن فرد همه چیزدار ثروتمند و قدرتمند باشد.^{۲۸۵}

بروز و ظهور جوانمردی

❁ ببینید حضرت سجاد علیه السلام، چگونه نقطه‌ی اصلی را مورد توجه قرار می‌دهد. می‌گوید: «أَرغِدْ عِیشِی وَ أَظْهَرْ مَرْوَتِی»^(۱)؛ «زندگی‌ام را گوارا و جوانمردی‌ام را آشکار کن.» ظاهراً معنای عبارت دوم این است که «میدانی به وجود آید، تا من در آن، صفت جوانمردی را به منصفی بروز در آورم.» نه این که «مردم ببینند من جوانمردم؛» نه. برای این که، اگر خواهیم جوانمردی بروز پیدا کند، باید جوانمردی کنیم. صرف این که جوانمردی در درون انسان وجود داشته باشد، کافی نیست. انسان باید جوانمردی را به مرحله‌ی عمل برساند و نسبت به کسانی جوانمردی کند. این می‌شود «أَظْهَرْ مَرْوَتِی».^{۲۸۶}

اصلاح همه‌ی کارها

❁ در ادامه می‌فرماید: «وَ أَصْلَحْ جَمِیعَ أَحْوالِی»؛ «همه‌ی کارهای من و احوال مرا اصلاح کن. حال دعای مرا اصلاح کن. حال زندگی معمولی من و خانواده‌ام را اصلاح کن. حال شغلی را که دارم، اصلاح کن. همه‌ی خصوصیات مرا اصلاح کن.» اصلاح هر امری، به حسب خودش، یک

(۱) بحار الأنوار ج: ۹۵، ص: ۹۱؛ السَّجَّاد علیه السلام.

دعای کامل و جامع است. «وَجْعَلْنِي مِمَّنْ أَطَلَّتْ عُمرُهُ وَ حَسَنَتْ عَمَلُهُ وَ اَتَمَّتْ عَلَيْهِ نِعْمَتِكَ وَ رَضِيَتْ عَنْهُ وَ أَحْيَيْتَهُ حَيوةً طَيِّبَةً»^(۱) می گوید: «مرا از کسانی قرار بده که عمری طولانی توأم با عمل نیکو و همراه با نعمت کامل الهی و همراه با رضای پروردگار و حیات طیبه دارند.» آیا چیزی از این بهتر، وجود دارد؟! معصومین علیهم السلام، یاد می دهند که چه باید از خدا بخواهیم. چیزهایی که باید از خدا خواست، همانهاست که آن بزرگواران در ادعیه مطرح می کنند. بعضی در دنیا، به سراغ زیادهای زندگی می روند. می گویند: فلان معامله برای من جور شود. فلان سفر درست شود. فلان شغل گیرم بیاید. و... چرا انسان چیزهای اصلی را از خدا نخواهد؟! پیشوایان دین به ما یاد می دهند: «این گونه دعا کنید و این چیزها را از خدا بخواهید.» البته نوع دعاهایی که آنان به ما یاد می دهند، یک فصل طولانی را به خود اختصاص می دهد.^{۲۸۷}

دفع نقطه‌های ضربه‌پذیر معنوی

نکته‌ی دیگر این که، آنان در خلال دعاهای مذکور، نقطه‌های ضربه‌پذیر معنوی را به یاد ما می آورند و هشدار می دهند که «ممکن است از این نقاط ضربه بخورید و آسیب ببینید.» در همین دعای شریف ابوحمزه، در عبارتی می فرماید: «اللَّهُمَّ خُصِّنِي مِنْكَ بِخَاصَّةِ ذِكْرِكَ وَ لَا تَجْعَلْ شَيْئاً مِمَّا اتَّقَرَّبُ بِهِ فِي أَنَا، اللَّيْلِ وَ اطْرَافِ النَّهَارِ رِيَاءً وَ لَا سُمْعَةً وَ لَا أَشْرًا وَ لَا بَطْرًا»^(۲)؛ «خداوندا! کاری کن که کارهای انجام شده از طرف من، ریا و سمعه نباشد. برای این که این و آن ببینند، نباشد. برای این که دهن به دهن بگردد، و مردم به هم بگویند خبر دارید فلان کس چه کار خوبی کرد و چه عبادات خوبی انجام داد، نباشد. از روی ناز و غرور،

(۱) همان.

(۲) همان.

نباشد» آخر بعضی مواقع انسان کارهایی را از روی ناز و غرور انجام می‌دهد و به خود می‌بالد و می‌گوید: «آری! ما بودیم که این کار را انجام دادیم.» اینها نباشد. اینها، آن نقاطِ ضربه‌پذیر است. انسان خیلی کارهای خوب انجام می‌دهد؛ اما با اندکی ریا و سمعه، آن کارها را «هباءِ منثورا» می‌کند. دود می‌کند و به هوا می‌فرستد. معصومین علیهم‌السلام به ما توجه می‌دهند و می‌فرمایند: «مواظب باشید این طور نشود!» و اجعلنی لک من الخاشعین تا آخر.^{۲۸۸}

نمونه‌ای از درخواستهای ذکر شده در دعای ماه رمضان

اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ

☉ شما در هر روز از ماه رمضان - بنابر مآثور - بعد از هر نماز می‌گوئید: «اللَّهُمَّ ادْخُلْ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ السُّرُورَ، اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ.» از خدا می‌خواهید همه‌ی فقرا را غنی کند. فقط فقرای ایران را نمی‌گوئید. «اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ»^(۱) یعنی همه‌ی فقرای اسلام غنی شوند. اینها، خیلی مهم است. خواسته و حاجت بزرگی است، وقتی می‌گوئید «خدایا، همه‌ی فقرا را غنی کن.» خوب؛ از خدا می‌خواهیم. چرا نشود خواست؟! اگر موانع بر سر راه غنی شدن برطرف گردد، چرا نشود؟! پدیده‌ی فقر که یک امر ذاتی در جامعه نیست. فقر در جوامع بشری، یک امر تحمیلی است. فقر را قدرتهای ستمگر و زورگو و زیاده‌طلب عالم، بر افراد و بر ملتها تحمیل می‌کنند. اگر این قدرتها از میان بروند، چرا دعای «اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ» مستجاب نشود؟! ممکن است چنین حاجتی برآورده شود.^{۲۸۹}

اللَّهُمَّ اشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ

☉ در ادامه‌ی این دعا می‌گوئید: «اللَّهُمَّ اشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ، اللَّهُمَّ اكْسُ كُلَّ

(۱) مستدرک الوسائل ج: ۷، ص: ۴۴۷؛ الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم.

عُرْيَان»^(۱) انسان حاجتی به این کلانی از خدا می‌خواهد! در دعای سحر روز جمعه - که مستحب است - دعایی کوتاه، اما بسیار خوب است. اگر توفیق پیدا کردید، حتماً این دعا را بخوانید. اول درخواستهایی از خدا می‌شود و بعد این عبارت می‌آید: «إِلَهِي طُمُوحُ الْأَمَالِ قَدْ خَابَتْ إِلَيَّا لَدَيْكَ وَمَعَافِيهِمْ قَدْ تَعَطَّلَتْ إِلَّا عَلَيْكَ»^(۲) «خدایا! آرزوهای سرکش و بزرگ و خواسته‌های عظیم، محکوم به نومیدی هستند؛ مگر وقتی که با تو مطرح شوند.» کاروان طلبهای ما، از راه رفتن، محکوم به باز ماندن؛ مگر وقتی که در خانه تو بیایند.^{۲۹۰}

اللَّهُمَّ أَصْلِحْ كُلَّ فَاسِدٍ مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ

✽ خداوند از حاجت بزرگ انسان که هراسی ندارد! از خدا، هر چه بزرگتر بخواهید. مبدا یک وقت انسان با خود بگوید: «خوب؛ من این چیزی را که می‌خواهم، اگر برای خودم بخواهم، قابل شدن است. اما طلب عافیت برای همه‌ی انسانها، خیلی بزرگ است. چطور این را از خدا بخواهم؟!» نه؛ بخواهید. برای بشریت بخواهید. برای همه‌ی انسانها بخواهید. بعضی چیزها را برای همه‌ی مسلمین بخواهید. در همین دعا، عبارت «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ كُلَّ فَاسِدٍ مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ»^(۳)، از آن مسلمانان است. مخصوص دعایی است که مخصوص اهل اسلام است. البته، آن هم عللی دارد که چرا؛ شاید در غیر اهل اسلام، امکانش نیست و شاید بدون حاکمیت اسلام، ممکن نیست که خدای متعال همه‌ی مفاسد را برطرف کند. اصلاً نمی‌شود. شرطش، اسلام است.^{۲۹۱}

(۱) همان.

(۲) بحار الأنوار ج: ۸۶ ص: ۳۰۶؛ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

(۳) مستدرک الوسائل ج: ۷ ص: ۴۴۷؛ أَلرَّسُولُ ﷺ.